

قرار داد ۱۹۰۷

روس و انگلیس راجع بایران

تألیف

ع. وحید مازندرانی



قرار داد ۱۹۰۲

روس و ایس انجلیس راجع با ایران

تألیف

سج. وحید مانند رانی

دی ماه ۱۳۲۸ هجری شمسی

مرکز انتشار: کتابخانه سقراط - تهران خیابان سعدی

چاپخانه مهر

منابع این کتاب

- ۱- اسناد رسمی دولت انگلیس راجع به علل جنگ بین المللی اول (۱)
- ۲- مطالعاتی درباره دیپلماسی و سیاستمداری (۲) تالیف پروسور گوج
- ۳- آخرین مرحله زندگانی لرد کرزن (۳) > هارولد نیکلسن
- ۴- شرح حال سر ادوارد گری (۴) > پروسور ترولیان
- ۵- قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس (چاپ امریکا) > راجر شپلات چرچیل
- ۶- انقلاب ایران > پروسور ادوارد پرون
- ۷- دیکسیونر دیپلماتیک شوروی (چاپ مسکو ۱۹۴۸) > ویشینسکی ولزوفسکی
- ۸- بعضی مدارک معتبر موجود بزبان فارسی

۱- **British Documents On the Origins of the War-
1898-1914.**

۲- **Studies in Diplomacy and Statecraft by :
Gooch.**

۳- **The Last Phase. by: H. Nicolson.**

۴- **Grey of Falladon by: Trevelian.**

۵- **Anglo-Russian Convention by:**

R. P. Churchill

۶- **Persian Revolution by: E. Browne.**

۷- **Dictionnaire Diplomatique de L U. S. S. R.**

فهرست مطالب

صفحه	
۵	۱- مقدمه
۲۳	۲- چرا و چگونه قرارداد ۱۹۰۷ انعقاد یافته است؟
۲۰	۳- سفارت انگلیس با امضای قرارداد مخالف بود
۲۳	۴- سفارت انگلیس خبر تقسیم ایران را تکذیب میکند
۲۵	۵- ابلاغ متن قرارداد بوزارت خارجه ایران
۳۰	۶- نقشه ایران بعد از تعیین منطقه نفوذ روس و انگلیس
۳۱	۷- نظریه سفارت ایران در اندن
۳۶	۹- سرانجام و ادوار گری بانی قرارداد ۱۹۰۷ بود
۵۰	۱۰- تأثیرات انتشار متن قرارداد
۵۷	۱۱- عقیده بعضی جرایدار و پائی در آن موقع درباره این قرارداد
۶۶	۱۲- " " " " ایرانی
۷۱	۱۳- از انقلاب ایران
۷۴	۱۴- شوروی ها راجع باین قرارداد چه نوشته اند؟
	۱۵- نظریکی از رجال فیور ایرانی در آن دوره درباره
۷۷	قرارداد ۱۹۰۷

فصلنامه

صنعت	مطر	صنعت
(۱)	۱	۱۲
(۲)	۶	۳
(۳)	۹	۳
Sir Spring Rice	باورقی	۱۸
Bannerman	۳	۴۰
تا کید	۴	۵۰
تا کید	۵	۵۰
دیپلماسی	۴	۶۰
زیرا	۲۰	۶۳

مقدمه

یکی از نتایج گوناگون جنگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸ که سه امپراطوری بزرگ اروپائی؛ امپراطوری آلمان، امپراطوری اطریش-هنگری و امپراطوری تزاری روس را از بین برد آشکار و علنی شدن آرشیوهای دول بود شورویها در طبع و نشر مدارك سیاسي و عهدنامه‌های سری پیشقدم شده بودند تا مقاصد امپریالیست دولت تزاری و متحدین او را به جهانیان نشان داده باشند بعد از روسها آلمانها به این کار اقدام نمودند و پرده از زوی اسرار و داستان دیپلماسی آلمان از بدو تاسیس امپراطوری تا دوره فعلی برداشته و تحت عنوان «سیاست بزرگ» (۱) بیش از چهل جلد قطور اسناد و مدارك مهم منتشر کردند.

بسال ۱۹۲۴ مسیحی دولت بریتانیا نیز در دوره نخست وزیری رمزی مکدونالد تصمیم باین کار گرفت و مدارك و اسناد مربوط بدیپلماسی انگلیس بین سالهای ۱۸۹۸ تا ۱۹۱۴ را در بیش از ده جلد (۲) بتدریج منتشر ساختند و در سال ۱۹۲۶ در زمان زمامداری پواتکاره دولت فرانسه هم اعلام داشت که اسناد و مدارك سیاسی بین سالهای ۱۸۷۰-۱۹۱۴ (۳) را منتشر میکند در حالیکه کار آلمانها و انگلیسها در این قسمت باتمام رسیده اقدام فرانسویان ناتمام مانده است و بالاخره دولت جمهوری اطریش نیز در سال ۱۹۳۰ یازده هزار سند تاریخی و سیاسی مربوط بسالهای ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۴ را منتشر کرد و از دول بزرگ اروپائی فقط ایتالیا از اقدام باین کار خودداری نموده است.

علاوه بر کتابها و مدارك طبع و نشر یافته مزبور که جمعاً بیش از یکصد جلد است مورخین و اهل تحقیق برای تدوین و تألیف تاریخ جامع مربوط بسالهای قبل از جنگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸ از مطالبی که در مکاتبات خصوصی سیاستمداران و در مصاحبه‌ها

۱ - Die Grosse Politik the War 1898-1914
 ۲ - British Documents on the Origins of the War 1898-1914
 ۳ - Les Documents Diplomatiques de la Guerre 1914-1918.

و شرح حال ها و مذاکرات پارلمانی مندرج بود استفاده نموده مجموعه های نفیس تألیف کرده اند که در نتیجه از لحاظ سیاسی و دیپلماسی دوره قبل از جنگ بین المللی اول روشن ترین ادوار تاریخ اروپاست. در تهیه مطالب این کتاب علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک موجود بزبان فارسی ببعضی منابع معتبر مذکور که حاصل مطالعات طولانی و دقیق اهل فن است مرأجه شده است.

از بررسی همین مدارک معروضه معلوم میشود که در نیمه دوم قرن نوزدهم پیشرفت سریع نفوذ روس در آسیا سیاستمداران انگلیس را از جهت امنیت هند خیلی نگران ساخته بود و دولت بریتانیا در صد در آمد که مقام و موقعیت خود را نخست در افغانستان و بعد در تبت و ایران مستحکم سازد.

در زمان نخست وزیری لرد پیکونفیلد (دزرائیلی) گویا انگلستان حتی در این خیال بود که برای امنیت کامل هند یک نوع تحت الحمایگی بر افغانستان تحصیل کند و این کشور را یک وسیله دفاعی بین روسیه و هندوستان قرار دهد و در نتیجه از همان موقع اختلاف و تصادم دائمی بین دو سیاست نفوذ طلبانه روس و انگلیس در آسیا پیدا شد.

بمنظور رفع این ماده اختلاف و جلوگیری از کشمکش های دولتی در ایران و افغانستان در سال ۱۸۸۷ مسیحی سر هنری دروموندولف (۱) وزیر مختار انگلیس در تهران که طرفدار جدی موافقت روس و انگلیس بود بدولت خود پیشنهاد نمود که ایران از لحاظ اقتصادی بدو منطقه تقسیم شود شمال منطقه روس و جنوب منطقه انگلیس باشد او میگفت این ترتیب از هر جهت بنفع دو کشور است و این ظاهراً اولین دفعه بود که فکر تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ در فکر سیاستمداران بریتانیا پیدا شد و قتی که این سیاست انگلیس را در سال ۱۸۸۸ به تزار روسیه الکساندر پیشنهاد کردند اظهار داشت که دولت او حاضر است راجع به ایران موافقتی با انگلستان حاصل کند و ضمناً گفته بود روس و انگلیس در اروپا منافع مشترک ندارند منافع مشترک طرفین در آسیاست و دولت او مایل است دوستانه در آسیا با انگلیس زندگی کند و اساسی گذاشته شود

که دوستی دو کشور را میسر سازد.

پیشنهاد سر هنری ولف مورد توجه سیاستمداران انگلیس قرار گرفت. لرد کرزن که در آن موقع تازه از سفر و سیاحت ایران مراجعت و در آثار تاریخی و هنری کشورها مطالعات وافی نموده و نتیجه این مطالعات و مشاهدات خود را در دو جلد کتاب معتبر منتشر کرده بود با این سیاست مخالفت و اظهار کرد سیاست بریتانیا در ایران باید و الاثر از سیاست روس در این کشور باشد ولی همین سیاستمدار دشمن روس متقابلاً نظر داد که انگلستان نه تنها حوالی خلیج فارس را باید منطقه نفوذ خود بنماید بلکه باید از مرکز ایران خطی ترسیم و بروس اخطار شود که از این حدود بپروجه تجاوز نکند و در تمام این قسمت جنوبی هم منافع سیاسی و اقتصادی انگلیس کاملاً تأمین و با وسایل صلح آمیز و اشتراک منافع و ترقیات صنعتی و اصلاحات داخلی در ایران انگلستان نفوذ خود را در این کشور پابرجا کند و از همین وقت بود که روسها همواره لرد کرزن را دشمن سرسخت خود مینگریستند.

انگلیسها در نیمه دوم قرن نوزدهم همیشه از مقاصد روس در آسیا و ایران بیزار بودند و روسها نیز متقابلاً از سیاست بریتانیا دو باره متصرفات روسیه در آسیای وسطی و از نفوذ او در ایران نگرانی داشتند و همین بدبینی و دو نظر متخالف مدتها مانع نزدیکی و سازش سیاسی طرفین راجع به کشور ما شد.

ولی از سال ۱۸۹۶ میلادی هدف سیاسی انگلیس این شده بود که از حالت انزوا بیرون آمده برای خنثی کردن سیاست امپراطوری آلمان در اروپا یا فرانسه و روس دوستی و اتحاد برقرار سازد امپراتور رومیه روس نسبت به انگلیس در خاور میانه و در آسیا غیر دوستانه و بلکه خصومت آمیز بود تا آنکه قدم اول برای رفع اختلافات موجود با امضای موافقتنامه سال ۱۸۹۹ مسیحی طرفین راجع به راه آهن های چین برداشته شده و در نتیجه بتدریج یک حالت خوش بینی در محافل سیاسی انگلیس در باب تحصیل موافقتی با روس راجع بامور متنازعیه در ایران پدید آمد و در این وقت بدون تردید سیاستمداران انگلیسی میدانستند که شرط اساسی چنین موفقیت سیاسی واگذاری قسمت شمالی ایران بنفوذ روس بود و همین کار را هم کردند.

موراویو (۱) وزیر خارجه روسیه بسال ۱۹۰۰ درصدد برآمد موقعیت روس را در ایران بهتر و نفوذ دولت خود را بیشتر کند و از چندین جهت در فکر انجام این مقصود بود ولی او دو مسئله مهم را اصلاً بعین بیان نیاورد یکی موضوع بغرنج تقاضای بندری برای روس در خلیج فارس و دیگری اینکه فکر و خیال تعیین منطقه نفوذ را هم هیچ تعقیب نکرد چون در این موقع دولت روس بسیار قوی و مغرور و بلند پرواز بود و میل نداشت با فکر تقسیم و تسهیم ایران موافقت کند و خود را در کار کشور ما پابند و مقید سازد.

در سال ۱۹۰۲ موافقت دیگری بین دو دولت درباره مسائل چین حاصل و باز ایران میدان واقعی رقابت و کشمکش طر فین شد و در همین اوان بود که فعالیت‌ها در ایران بنهایت شدت رسید و از طرف دیگر دولت بریتانیا هم بر اثر تاکیدات لرکرزن رویه جدی تری در ایران پیش گرفت و از لحاظ سیاسی موفقیت هائی نیز نصیب انگلیسها شد ولی در شمال ایران نتوانستند جلوی نفوذ روزافزون روسیه را بگیرند و از این بابت سخت نگران بودند.

یکسال بعد باز اختلافی درباره راه آهن منچوری بین روس و انگلیس پیش آمد و مجدداً روابط دو دولت تیره شد رویه جدید روسها نسبت به راه آهن منچوری ژاپون فراهم برانگیخت و در نتیجه روابط روس و ژاپون نیز بصورت خطرناکی درآمد و در اوایل ۱۹۰۴ که طرفداران جنگ در ژاپون حاکم بر اوضاع شدند مقدمات جنگ روس و ژاپون فراهم گردید و بعد از شروع منازعه فتوحات بی دریی ژاپون حیرت انگیز بود و بالاخره نیز آن جنگ تاریخی در سال ۱۹۰۵ بفتح ژاپون و شکست روس تمام شد و از این تاریخ ببعد جرائد انگلستان فرصت را غنیمت شمرده از ایجاد موافقتی با روس زیاد طرفداری نمودند و زمینه مساعد برای شروع مذاکره جهت انعقاد قرارداد فراهم شد و این دفعه روسها برخلاف گذشته رویه خیلی موافق نشان دادند و در نتیجه قرارداد ۱۹۰۷ بطوری که شرحش خواهد آمد امضاء شد.

قبل از عقد قرارداد مزبور بحران مراکش ناشی از اختلافات سیاسی فرانسه و

آلمان پیش آمده بود که جریان آن تأثیر بسیار در پیشرفت کار قرارداد ۱۹۰۷ کرد برای رفع این بحران کنفرانس الجزیراس (۱) تشکیل شد (ژانویه - آوریل ۱۹۰۶) در این کنفرانس فرانسه متکی به حمایت روسیه و انگلستان و اسپانی بود و آلمان به حمایت اطریش اتکا داشت و ایتالیا با آنکه در آلیانس سه گانه (آلمان، اطریش - هنگری، ایتالیا) وارد بود چون در عین حال با فرانسه و روسیه قراردادهای سرّی امضاء کرده بود به متحد خود کمکی نکرد هر چند نتیجه کار این کنفرانس تأیید استقلال مراکش و آزادی تجارت در آن کشور برای تمام دول که منظور دولت آلمان بود گردید. ولی باز عموماً معتقد بودند که در آن مبارزه سیاسی فرانسه فاتح شد و درهمین گیرودار بود که تنهایی با عظمت آلمان آشکار گشت و اتانیت کردیال فرانسه و انگلیس به مرحله جدیدی رسید.

همکاری و اتفاقی که در کنفرانس الجزیراس بین نمایندگان روسیه و فرانسه و انگلستان پیدا شد راه را برای مذاکرات رسمی مربوط به امضای قرارداد ۱۹۰۷ همواره ساخت و سر آرثور نیکلسن (۲) که نماینده انگلیس در کنفرانس مزبور بود سفیر کبیر جدید انگلستان در پترزبورگ انتخاب و ایزولسکی (۳) (انگولفیل) هم بجای لامسدروف (۴) وزیر امور خارجه روسیه شد.

قرار داد ۱۹۰۷ انگلیس و روس راجع بایران نتیجه موافقت و دوستی فرانسه و انگلیس و مقدمه «اتانیت سه گانه» گردید و بطور اجمال میتوان گفت که سیاست دولت تزاری در حدود سال ۱۹۰۷ استحکام دوستی او با فرانسه و اصلاح روابطش با ژاپون و حفظ مناسبات عسادی با آلمان و رقابت و مبارزه های سیاسی با اطریش - هنگری در بالکان و کشمکش و مبارزه با انگلستان در سر مسائل آسیائی بود ولی انگلستان که از اواسط و در اواخر قرن نوزدهم میلادی در دوره سلطنت ملکه ویکتوریا آسوده از درد سرهای مسائل اروپائی و با اصطلاح معروف در يك دوره

الزوای باهکوه (۴) میزیست «مذاکره گیری بیستمارک و بواسطه سیاست وسیع بحری قیصر آلمان ناچار شد که از رویه قدیم است بر دارد و عملاً و جذاً در سیاست اروپا دخالت ننماید.

در قرون هیجده و نوزده و اوایل قرن حاضر سیاست خارجی انگلستان مبتنی بر دو اصل سیاسی بود یکی سیادت بحری و دیگری تعادل قوا در اروپا و در اصل تا اول از سال ۱۶۹۴ مسیحی هالیفاکس (۱) تحت اعلامی ارد هالیفاکس کنونی گفته بود «اولین اصل عقیده سیاسی هر فرد انگلیسی باید ایمان او بشیرینا باشد»

این گفتار قدیم همواره شعار مردم انگلیس بوده و برای تأمین این اصل مهم دولت انگلیس نیز رویه داشته که بنام «میزان دو دولت» (۲) معروف شده و همیشه نیروی دریائی انگلستان باید از نیروهای دریائی تمام دو دولت مقتدر اروپائی قوی تر باشد.

راجع باصل دوم که مربوط بحفظ موازنه قوا در اروپا و کاملاً معروف است رویه دولت انگلیس این بوده که خواه از راه دیپلماسی و یا بوسیله جنگ پیوسته مانع شده است که يك دولت اروپائی بقدری قوی و در عین حال دشمن و یا متمایل بخصوصیت با بریتانیا بشود و در این باب نیز پالمرستون (۳) سیاستمدار شهیر انگلیسی اظهار عقیده نموده بود که شعار اکثر سیاستمداران این کشور شده او گفته بود «بریتانیا دوستی ابدی و یادشمنی ابدی با احدی ندارد فقط منافعی ابدی دارد»

انگلستان در سال ۱۹۱۴ و در موقع جنگ کریمه و جنگهای بالوی چهاردهم با فرانسه و با نابلیون و هم چنین در سال ۱۹۳۹ با آلمان برای حفظ دو اصل مهم «زبور اقدام بجنگ نمود.

چرا و چگونه قرارداد ۱۹۰۷ انعقاد یافته است ؟

در اوایل ۱۸۹۹ میلادی لرد کرزن (۱) تائب السلطنه هندوستان بدعای وارد شد و در سپتامبر همان سال گزارش مفصلی راجع به سیاست انگلیس در ایران و خلیج فارس بلتین فرستاد در این گزارش کرزن به موضوع امکان پیش آمد رقابتی بین فرانسه و انگلیس در خلیج فارس و فعالیت و بسط نفوذ اقتصادی آلمانها در ایران و علاقه شدید حکومت آلمان به تکمیل خط آهن بغداد و تأسیس کنسولگری آن دولت در بوشهر اشاره و خیلی اظهار نگرانی کرد و به منظور حقی کردن فعالیتهای این رقیب بزرگ و همچنین برای جلوگیری از توسعه خطر روس در آسیای مرکزی تدبیر و تقویت سیاست جدیدی از طرف انگلستان را در ایران و خلیج فارس به دولت خود پیشنهاد و اظهار نظر نمود که این قسمت از ایران بجه نواحی بڑی و بجه نقاط بحری آن مختصاً منطقه نفوذ انگلستان بوده و او نمیتواند مشاهده کند که مال دیگر این نفوذ او را مورد تهدید قرار بدهند.

در گزارش خود لرد کرزن خطر نشان میسازد که از اواسط قرن نوزدهم در چندین مورد روسیه و انگلستان مشترکاً استقلال و تمامیت ارضی ایران را اعلام داشته اند و اولین بار این کار در زمان نخست وزیری پالمستون در انگلستان و صدارت گنت سارو (۲) صدر اعظم روسیه در پنجم سپتامبر ۱۸۳۲ میلادی صورت گرفته و نخست وزیر انگلیس به صدر اعظم روسیه می نویسد که ما در کار ایران بوسیله اتفاق نظر خودمان سیاست واحدی در پیش گرفته خواستار نظم داخلی ایران و استقلال و تمامیت ارضی آن مملکت هستیم گنت سارو در هم در مراسله مورخه ۱۲۰ کتبر ۱۸۳۸ خود دوبار در سال ۱۸۳۹ همین تضمینات را تکرار مینماید. لرد کرزن که از جهت تأمین منافع انگلستان در ایران نگران شده بود در گزارش مزبور ضمناً اظهار نظر میکند که

شاید بتوان ایران را بوسیله همکاری روسیه و انگلستان زنده کرد مثلاً اقدامات مشترکی از طرف دو دولت بشود که در ایران اصلاحاتی بعمل آید و برای مالیه و وضع اداری تشکیلات جدید داده شود و منابع اقتصادی مملکت را بکار انداخت و از لحاظ خیر خواهی دولت نیمه جان ایرانرا زنده کرد با این سیاست و راه حل اخیر وزیر مختار انگلیس در تهران سرمرقی هر دوراند (۳) موافق نبود و خود کرزن هم واقعاً همکاری مفید انگلیس و روس را در کار ایران دور از امکان میدانسته چنانکه در گزارش خود مینویسد روسیه طالب اصلاحاتی در ایران نیست بلکه خواستار انحطاط او است.

در سال ۱۸۸۹ میلادی روسیه با ایران قراردادی امضاء کرده بود که بموجب آن دولت ایران متعهد شد هیچگونه امتیاز کشیدن خط آهن بخارجی نماند مگر به روسیه و یا با اجازه دولت روس مدت این قرارداد ده سال بود و بعد از انقضای مدت مزبور بواسطه فشار روسها پنج سال دیگر تمدید گردید انعقاد این قرارداد باعث نگرانی و شکایت انگلیسها شد و نزدیک بود بدولت ایران و هم بر روسیه اخطار نمایند که هرگونه اقدام و تجاوزی در آینده از طرف روسها در شمال ایران مواجه با اقدام مشابه از طرف انگلستان در جنوب خواهد شد این در واقع پیشنهادی بود که سفارت انگلیس در تهران نموده بود ولی لرد کرزن چون اولاً همکاری و اقدام مشترك روس و انگلیس را در ایران عملی نمیدید و اعلام سیاست فوق را هم موجب زحمت و باعث تحمیلات جدید برای انگلستان مینداشت راه حل عجیب تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ را به دولت خود پیشنهاد کرد و این عمل را بعقیده خود هم بنفع ایران میدانست و هم خیال میکرد بدین وسیله موجبات رفع اختلافات و رقابتها بین روس و انگلیس در ایران فراهم میگردد.

لردها میلتن وزیر هندوستان در نامه محرمانه خود در جواب گزارش لرد کرزن در ژوئیه ۱۹۰۰ باو مینویسد: منظور عمده ما دفاع از امپراتوری هند و جلوگیری

از خطر احتمالی است که ممکن است از راه بلوچستان و جنوب ایران پیش بیاید و باید در این خصوص هر اقدامی که میکنیم مقاومت سایر دول را هم که در جنوب ایران منافعی پیدا کرده اند در نظر بگیریم ولی راجع ببسط نفوذ و پیشرفت روسیه بسمت مرزهای ایران و نقاطی که او در آسیای مرکزی اشغال و تصرف نموده راه پیشروی بیشتر روسیه را در این قسمت آسان تر ساخته و ما فقط بدربار میتوانیم متکی باشیم و حال آنکه روسیه هر چه بیشتر در قسمت ارضی پیشرفت نموده قدرت و نفوذ او هم زیاد تر گردیده و اگر ما استقلال ایران را هدف عملیات خود قرار دهیم باید در نظر داشته باشیم که روس هم اکنون تمام مرزهای این مملکت را مورد تهدید قرار داده و بواسطه امتیازات و انحصاراتیکه در ایران بدست آورده قسمت مهم آنرا کاملاً تحت نفوذ انحصاری خود دارد و ایالات شمالی ایران عملاً زیر تسلط کامل آنها است و اگر روس قصد تصرف آن حدود را هم بنماید ما کاری نمیتوانیم بکنیم و اگر پیشنهاد شما در باره تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ را هم به روسها اطلاع بدهیم آنها آنرا بصورتی بشاه ایران خبر خواهند داد که ممکن است بضرر ما تمام شود و شاه اینطور خواهد فهمید که تقسیم سرزمین او بدو منطقه نفوذ هدف فعلی سیاست انگلیس است .

از نامه محرمانه مورخه ژوئن ۱۹۰۵ وزیر مختار انگلیس در تهران بوزارت خارجه انگلستان خوب استنباط میشود که انگلیسها قضیه تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ را برای رفع رقابتها و مبارزه های سیاسی خود با روسیه بروسها پیشنهاد نمودند ولی اول جواب مساعد نشنیدند و در این نامه مینویسند که روسها همیشه قصه داشته اند ایرانرا تحت الحمايه خود سازند .

باری مسئله امضای قرارداد روس و انگلیس راجع بایران بواسطه مقاومت روسها مدتی بمهده تعویق افتاد تا اینکه بواسطه پیش آمد جنک ۱۹۰۵ روسیه و ژاپن و شکست روسها که باعث ضعف نسبی آنها شده بود فرصتی برای پیش بردن سیاست انگلیسها پیدا شد و آنها درصدد برآمدند که قضیه معوق تعیین منطقه نفوذ در ایران را تجدید و قراردادی در این خصوص باروسها امضاء کنند .

سر آرتور هاردینگ (۱) وزیر مختار انگلیس در ایران در تاریخ سپتامبر ۱۹۰۵ قبل از کناره گیری از پست وزارت مختاری گزارش یوزارت خارجه انگلیس درباره اوضاع ایران فرستاد و در آن گزارش میگوید بنظر او تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ روس و انگلیس کار مفیدی نیست چون دیر یا زود این کار منجر باین خواهد شد که انگلیستان جنوب ایران را تحت الحمایه خود نماید و بدین ترتیب مانع منطور روسها که رسیدن به خلیج فارس باشد خواهیم شد. و بنا بر این آنها قبول نخواهند کرد بلکه بهتر اینست که از این رقابت و مبارزه دیپلماتیک که مدتها است در تهران بین دو دولت هست صرف نظر کنیم و مانند سازش روس و اتریش در قضیه بالکان در ایران هم طرفین توافق حاصل کنیم که ایران کشور بی طرف و مصون بماند و بشاه هم فشار بیاوریم که در مملکت خود بعضی اصلاحات مالی و اداری که مانع از بین رفتن سلطنت در ایران شود بنماید.

در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۰۶ سفیر کبیر انگلیس در اسلامبول در نامه محرمانه خود به سر ادوارد گری (۲) مینویسد که سفیر آلمان در اسلامبول علاقه خاصی در کار اختلافات مرزی ایران و عثمانی نشان میدهد و تعیین شخص دانا و پرقابلیتی مثل اشتریش (۳) بسمت وزیر مختاری آلمان در تهران نشان میدهد که آلمانها در نظر دارند فعالیتهای مهمی در ایران بنمایند و اگر زود تر روسیه و انگلیستان در قضیه ایران قرار دادی منعقد نسازند بعید نیست که عنقریب با دخالتهای دولت آلمان مواجه شوند در سپتامبر ۱۹۰۶ وزارت خارجه انگلیس بسفیر خود در بطرز بورک سر آرتور فیکلسن مینویسد که هر چه آقای ایزولسکی (وزیر خارجه روسیه) زودتر نظریه خود را نسبت بقرارداد دو کشور در خصوص ایران ابراز بدارد بهتر خواهد بود چون ما هنوز نمیدانیم روسها در باره این قرار داد چه نظریاتی دارند و بسفیر کبیر خود دستور میدهد که باب مذاکرات سیاسی را با روسها در موضوع افغانستان نیز افتتاح نموده و به ایزولسکی اعلام بداد که اگر دولت روس مایل باشد در باره ایران هم قرار دادی تهیه و اعطاء

شود انگلستان چنین کاری را استقبال نموده و بسیار خوشوقت خواهند شد پیشنهادات روسها را در اینخصوص دریافت دارند.

در سپتامبر ۱۹۰۶ سفیر انگلیس در سن پترزبورگ بوزارت خارجه انگلستان گزارش میدهد که وزیر خارجه روسیه باو گفته که شخصاً باخط ازیر چند تا بندر عباس حدود منطقه انگلیسها که آنها پیشنهاد کردند موافق است ولی باید موافقت امپراطور و همکاران خود را هم جلب کند وزیر خارجه روسیه ضمناً به سفیر کبیر انگلیس حالی نموده که تمام قضیه سازش و قرارداد مربوط به ایران ناشی از سیاست انگلستان است چون انگلیسها آنها بمیان آورده اند و اظهار داشت که لازم است منطقه نفوذ روسیه بخلیج فارس راهی داشته باشد و سفیر انگلیس جواب داد که او خیال نمیکند این قضیه مشکل لاینحالی ایجاد نماید در گزارشی که سر ادوارد گری به ادوارد هفتم پادشاه انگلیس در سپتامبر ۱۹۰۶ داده میگوید هر چند روسها تا حال پیشنهادهای صریحی در خصوص توافق بین دو کشور راجع بخلیج فارس ننموده اند ولی بدیهی است راهی بخلیج تقاضا خواهند کرد و این پیشنهاد آنها بنظر وزارت امور خارجه شرط موفقیت در کار قرارداد است در هر صورت این موضوع فعلاً در نظر نیست ولی اشکالاتی که در موضوع ارتباط تلگرافی بین مشهد و سیستان پیدا شده بنظر ما برای حل آن دوراه موجود است یکی یکقسم اشغال سیستان و جنوب ایران و تحت الحمايه نمودن این حدود دوم بوسیله موافقت و سازش دیپلماتیک.

راه حل اول برای انگلستان خرج زیاد خواهد داشت و ناچار خواهیم شد همیشه وسائل دفاعی برای حفظ مرزهای اراضی اشغال شده حاضر داشته باشیم و اگر بوسیله سازش سیاسی از روسها بخواهیم که در جنوب شرقی و جنوب ایران برای ما زحمتی ایجاد نکنند ناچار ما هم باید تضمیناتی بآنها در قسمت شمال و مغرب ایران بدهیم در هر صورت برای تحصیل منظور خودمان حتی لازم خواهد بود امتیازات در امور بازرگانی در خلیج فارس به روسها داده باشیم و همینقدر که ما بتوانیم دهانه خلیج را در منطقه نفوذ خود محکم نگاهداریم دیگر خطری متوجه هندوستان از راه دریانخواهد بود و اگر روسها بوسیله تلگرافها و جاده ها و وسایل دیگر در جنوب شرقی ایران تولید

مزاحمتی ننمایند امنیت هند کاملاً تضمین خواهد شد. بنابراین در کار تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ و خالی گذاشتن قسمت مرکزی بین دو منطقه برای اقدامات اقتصادی مشترك اگر روسها بندری در خلیج فارس بخواهند نباید جواب رد داد بلکه بهتر است موضوع را تحت مطالعه و مذاکره گذاشت. حکومت هندوستان میخواست که خط از بیرجند تا خاتکین جزء منطقه نفوذ انگلستان باشد بنظر وزارت امور خارجه انگلیس این کار بوسیله سازش سیاسی عملی نبود مگر آنکه جنوب ایران را جدلاً اشغال میکردند که خود تحمیلاتی بر مشکلات امپراطوری انگلستان میافزود.

انگلیسها برای انعقاد قراردادی که بالاخره درسی و یکم اوت ۱۹۰۷ با امضاء رسید خیلی عجله داشتند ولی روسها عجله ای نمینمودند و در خود روسیه اشخاص و دسته هائی اصلاً با امضای آن مخالف بودند در اول اکتبر ۱۹۰۶ وزیر خارجه انگلیس بسفارتخانه های خود در پترزبورگ و تهران خبر میدهد که وزیر مختار ایران در لندن از او پرسیده آیا راست است که درباره مسائل آسیا بین روس و انگلیس قراردادی امضاء شده که ماده ای هم راجع به ایران دارد وزیر خارجه جواب میدهد بواسطه وضع فعلی داخلی ایران ما با روسها درباره مسائل تلگرافات و قروض و سایر مطالب مذاکرانی نموده و برای رفع مشکلات فیما بین خودمان باین کار ناچار بوده ایم ولی مذاکره ای نکرده ایم که لطمه ای باستقلال و تمامیت ارضی ایران وارد سازد.

هارتویک (۱) وزیر مختار روسیه در تهران در اکتبر ۱۹۰۶ بوزیر مختار انگلیس سر اسپرینگ رایس (۲) میگوید علت تأخیر از جانب ما در امضای قرار داد این است که نکرانیم اگر ایرانیها از وجود آن آگاه شوند ناچار خود را بدامن آلمانها خواهند انداخت و اسباب مزاحمت دائم برای ما فراهم خواهد شد.

در اوایل نوامبر ۱۹۰۶ مسیو ایزولسکی بعد از مراجعت از سفیر رایس و برلن بسفیر انگلیس در پترزبورگ میگوید که مشکلات و مخالفین زیادی برای عقد قرارداد تعیین منطقه نفوذ، در روسیه داریم و از جمله ستاد ارتش ما موافق نیست که ماسیستان را مطلقاً جزء منطقه انگلیس قرار دهیم انگلیسها این بی میلی و مخالفت نسبت به امضای

قرارداد را حمل بر غرض روسها و قصد تجاوز آنها به هندوستان تلقی میکردند و موجب مزید نگرانی ایشان میشد. سفیر انگلیس در پترزبورگ بوزیر خارجه خود در تاریخ ۵ نوامبر ۱۹۰۵ گزارش میدهد که بملاقات سفیر کبیر آلمان رفته و مشارالیه بوی گفته بود که آلمان قصد ندارد مانعی در مذاکرات مربوط بمقدد قرارداد بین روسیه و انگلستان راجع بایران ایجاد کند و قصد گرفتن امتیازی هم ندارد ولی خواستار درآزاد برای آزادی مبادلات بازرگانی در ایران میباشد و این امر باید تضمین شود. سفیر انگلیس بهمکار آلمانی خود جواب میدهد منظور ما از انعقد قرارداد با روسها درباره ایران رفع موجبات اصطکاک بین طرفین در ایران میباشد چون این رقابت و اصطکاک مادر ایران همواره بنفع سیاستمداران ایرانی بوده و آنها همیشه خوشوقت بوده اند که روس و انگلیس را در ایران بجان هم بیندازند.

سفیر انگلیس در گزارش دیگر خود به سراد وارد گری مینویسد که وزیر خارجه روسیه بار گفته است که در مسافرت اخیر خود به برلن از پرنس فن بولو (۳) صدراعظم آلمان پرسیده بود که نظریات دولت آلمان نسبت بمذاکرات روس و انگلیس درباره قرارداد مربوط بایران چیست و آنها چه منافعی در ایران دارند که مایلند تامین شود صدراعظم جواب میدهد مانظری در مذاکرات شمانداریم ولی خواستار مصونیت راه آهن بغداد و تضمین در آزاد در امور تجاری آلمان و ایران هستیم در یکی از مذاکرات سیلسی بین سفیر کبیر انگلیس و وزیر خارجه روسیه در خصوص اعضای قرارداد مسبو ایزولسکی بسفیر انگلیس میگوید چون ناچاریم این قرارداد را بعد از امضاء انتشار بدیم موجب اعتراض ایرانیان و مورد شکایت دول خارجه خواهد شد.

وقتی که روسها این مطلب را عنوان کردند سفیر جواب میگوید مقدمه قرارداد اضافه میکنیم که رفع سوء ظن و اعتراض آنها را بنماید. بنابر این مقدمه قرار داد را فقط برای اسکات دیگران و بمنظور اقتضای منافع خودشان اضافه نمودند و در قسمت اول مقدمه اظهار داشته اند که برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران و حفظ نظم و آرامش و تأمین ترقیات توأم با صلح و صفا در ایران و تضمین تجارت تمام دول این قرارداد

را دودولت امضاء کرده اند و حال آنکه منظور واقعی همان تأمین مرزهای هندوستان از خطر احتمالی روسیه بود که در قسمت دوم مقدمه ذکر شده است.

در فوریه ۱۹۰۷ ضمن مذاکرات وزیر خارجه روسیه بسفیر انگلیس میگوید که ضمناً درباره افغانستان هم باید قراردادی فیما بین زودتر امضاء شود چون مسئله ایران ارتباط تامی با افغانستان دارد روسها میترسیدند که انگلیسها در کار افغانستان دخالت و از امیر آنجا حمایت نموده و وضع قشونی آنجا را تحت نظارت خود مرتب و بدین ترتیب از آن ناحیه خطری برای روسیه ایجاد کنند. در نیمه ماه فوریه ۱۹۰۷ وزیر خارجه روس طرح متقابل قرارداد را که دارای يك مقدمه و حاوی فقط دو ماده در خصوص تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ روسیه و انگلستان بود بسفیر انگلیس داد در طرح خودشان روسها تهران را در منطقه خود گذاشته بودند انگلیسها میخواستند تهران ناحیه بیطرفی در منطقه روسها باشد چون نگران بودند که اگر پایتخت در منطقه نفوذ آنها بیفتد موجب ازدیاد نفوذ و تسلط بیشتر روسها بشود اما روسها این پیشنهاد را قبول نکردند و انگلیسها چون مایل بودند هر طوری بود با روسها کنار بیایند در تحمیل پیشنهاد خود اصراری نداشتند. (۱)

سفارت انگلیس در تهران با امضای قرار داد ۱۹۰۷ مخالف بود

از بررسی مکاتبات سیاسی آن دوره چنین استنباط میشود که سفارت انگلیس در تهران اصولاً با امضاء قرارداد با روسیه در تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ موافقت نداشت هم دوران وزیر مختار و هم جانشین او سرسپرینک رایس گزارشهایی بر علیه این سیاست بلندن فرستادند سرسپرینک رایس در گزارش یازدهم آوریل ۱۹۰۷ خود بوزارت خارجه انگلیس وصول طرح قرارداد را که اصل آن بوزیر خارجه روسیه داده شده بود اشعار داشته و با لحن گله آمیزی مینویسد شما در این خصوص نه از من اظهار نظری خواسته و نه تمایلی بچنین اقدامی از جانب من نشان دادید با وجود این برای انجام تکلیف

(۱) چون اصفهان در منطقه روسها میافتاد و ظل السلطان که خادم انگلیسها بود در این شهر اقامت داشت ضمن مذاکرات انگلیسها از روسها تقاضا کردند مزاحم او نشوند و روسها هم موافقت کردند)

نظریاتم را عرض میکنم که اگرچه سرحدات افغانستان و بلوچستان و سواحل خلیج فارس را بموجب این قرارداد مصون داشته و امتیازات ما را که در منطقه نفوذ روسیه واقع شده مانند معادن نفت و خط تلگراف خاقین و جاده سلطان آباد - دزفول را تأمین کرده اید و با ذکر بعضی فوائد دیگر قرارداد میبویز روسها حتی اگر قراردادی هم امضاء کنند بآن عمل نخواهند کرد و با این وسایل ما نمیتوانیم جلوی آنها را بگیریم و باید این مقصود را از راه تقویت خود ایرانیان و مقاومت خود ایشان در برابر تجاوزات روسیه حاصل کنیم و بگذاریم خود ایرانیها بواسطه تنفیری که از اعمال روسها پیدا میکنند و مقاومتی که در برابر آنها خواهند نمود منظور ما که رفع خطر روس است حاصل شود و امضای قرارداد را بنفع انگلستان نمیدانست و معتقد بود درحالی که عقد قرار داد در وضع انگلستان در ایران مخصوصاً در شمال مملکت تأثیر مفیدی نخواهد داشت و از نفوذ روسها در ایران نمیتواند جلوگیری کند برعکس انتشار آن در مردم ایران که همواره در مبارزات سیاسی روس و انگلیس انگلستان را حامی استقلال خود میدانستند تأثیر عظیمی خواهد کرد و ایرانیان از شدت یأس ناچار خواهند شد که بمنظور استمداد متوجه ملل دیگر شوند و از این راه نیز کار ایران سامان نخواهد یافت و تنها راه نجات استقلال ایران و مردم آن بيسداری خودشان و بر خور داری ایشان از این حس اعتماد و قابلیت که بعد از تأسیس حکومت مشروطه در خود مشاهده کرده اند میباشد.

وزیر مختار مزبور باز در گزارش خصوصی مورخه ۲۶ آوریل ۱۹۰۷ خود بسر ادوارد گری مینویسد چون روسها به پیچوجیه رفتاری نکرده اند که دلیل بیطرفی آنها در کار ایران باشد بهتر است از همکاری و اشتراك عمل با آنها خودداری کنیم نمایندگان روسیه شاه را کمك و اورا تشویق میکنند که اساس مشروطه و حزب ترقی خواهر را خواه با وسایل عادی و یا با وسائل قهری از بین ببرد در ایران و ممالك اسلامی همکاری ما با روسیه و امضای این قرارداد تأثیر نا مطلوبی نسبت بما خواهد نمود و تصور خواهند کرد که ما هم در باطن مانند روسها قصد صدمه و اذیت ایران را داریم و عکس العمل این

کلی نسبت با انگلستان شدید خواهد بود و حتماً به محبوبیت نسبی ما در ایران و کشور های مسلمان اعلمه وارد خواهد ساخت در صورتیکه همین عمل باعث ازدیاد پرستیژ آلمان خواهد شد. در جواب این گزارش سرادودارد گری بوزیر مختار خودشان مینویسد که موافقت ما با روسها برای شناسائی استقلال ایران بوسیله عدم تجاوز متقابل دو کشور در کار این مملکت بوده و ممکن است این اقدام ما باعث نگرانی و شکایت ایرانیها بشود که همیشه طالب دشمنی ما با روسیه بوده و ما نمیتوانیم برای خاطر ایران خودمان را با روسها طرف کنیم.

بالاخره در ماه ژوئن ۱۹۰۷ طرح قرار داد روس و انگلیس که اول دارای سه ماده و بعداً حاوی پنج ماده شد بین دو دولت مبادله گردید و روسها موافقت خود را نسبت بطرح نهائی که انگلیس ها داده بودند با بعضی اصلاحات اعلام داشتند و لسی ناگهان در اواسط ماه ژوئن کابینه انگلیس پیشنهاد جدیدی کرد که نزدیک بود کار امضاء قرار داد را مختل سازد پیشنهاد مزبور این بود که در مقدمه قرارداد قید شود (با حفظ وضع فعلی در خلیج فارس) سفیر انگلیس در پطرزبورگ بدولت خود جواب میدهد که اگر بخواهیم این مطلب را در قرارداد وارد کنیم تولید مباحثات جدید خواهد کرد که موجب تأخیر امضاء قرار داد خواهد شد و تقاضا کرد کابینه انگلیس از این پیشنهاد صرف نظر کند و چندی بعد هم بلندن خبر میدهد که وزیر خارجه روسیه شرط مزبور مربوط به خلیج فارس را قبول نکرده و گفته بوده است که در خاتمه مذاکرات پیش آوردن چنین مطلبی تمام موضوع را ممکن است دچار تغییر نماید و این امر باعث اعتراض دولتمن عثمانی و آلمان خواهد شد.

در این حین وزارت خارجه انگلستان به سفیر خود در پطرزبورگ اطلاع میدهد که در صورت لزوم دولت انگلیس بدولت فرانسه مراجعه خواهد نمود که آنها به سفیر خودشان در پطرزبورگ دستور بدهند در انجام منظور فوق و گنجاندن جمله (حفظ وضع فعلی در خلیج فارس) نزد دولت روسیه اقداماتی بکنند سرارتور نیکلسن فوری جواب داد دخالت دادن دولت ثالث در این کار ممکن است بی ضرر نباشد و باعث دخالت دیگران نیز بشود.

بعد از این اشکال از لندن مجدداً پیشنهاد کردند که در مقدمه قرار داد قید شود انگلستان منافع خاصی در خلیج فارس دارد با این پیشنهاد هم‌روسها موافقت نمودند لذا سفیر کبیر انگلیس به سراداردگری مینوبست که بیش از این نباید در این موضوع اصرار ورزند چون ممکن است لطمه به امضای اصل قرارداد بزند و بالاخره وزارت خارجه انگلیس به سفیر خود دستور میدهد که کتباً انصراف دولت انگلیس را از این موضوع بوزیر خارجه روسیه اعلام بدارد. حکومت هندوستان که باعث پیشنهاد مزبور مربوط به خلیج فارس بود در این مورد شرحی بلندن نوشته و از این شکست و عدم موفقیت اظهار تاسف و نگرانی شدید میکند ولی بالاخره در تاریخ ۲۹ اوت ۱۹۰۷ از طرف وزیر خارجه انگلستان دستور تلگرافی امضای سه قرارداد مربوط بایران و افغانستان و تثبیت به سفیر خود در سن بطرزبوك صادر و در روز ۳۱ اوت ۱۹۰۷ قرار دادها از طرف ایزولسکی وزیر خارجه روسیه و سرادورتورنیکلسن سفیر کبیر انگلیس در بطرزبوك امضاء شد.

سفارت انگلیس خبر تقسیم ایران را کتباً تکذیب میکند

در تاریخ ۴ سپتامبر ۱۹۰۷ (۲۵ رجب ۱۳۲۵ قمری) وزیر مختار انگلیس یادداشت ذیل را برای وزارت امور خارجه ایران فرستاد :

بدوستان اطلاع رسیده که در ایران شهرت دارد فیما بین انگلیس و روس قرارداد منعقد شده که نتیجه آن دخالت دولتین در ایران و تقسیم این مملکت فیما بین آنها خواهد بود خاطر جناب اشرف ارفع مسبوق است که مذاکرات فیما بین دولتین روس و انگلیس بکلی طوردیگراست چرا که جناب مشیرالملک که در این اواخر به بطرزبورغ ولندن رفته مذاکراتی که با وزیر خارجه روس و انگلیس نموده و مشارالیهما از طرف دولتین خود مقصود دولتین را در ایران صریحاً توضیح کرده اند باید راپرت داده باشند جناب سراداردگری وزیر امور خارجه انگلیس مفاد مذاکراتیکه با جناب مشیرالملک داشته اند و همچنین مفاد مذاکرات مسیو ایزولسکی در دوتکنه اصلیه باهم

کاملاً متفقند یکی اینکه هیچیک از دولتين در امور ايران مداخله نخواهند کرد مگر اینکه صدمه بمال و جان رعایای آنها وارد آید دیگر اینکه مذاکرات در باب قرارداد فیما بین روس و انگلیس نبایستی برخلاف انتگریته و استقلال ایران بوده باشد جناب سرادوار دگری نیز اظهار داشته بودند که تا بحال فیما بین روس و انگلیس ضدیت بوده و هر يك میخواستند که توفیق دیگری را در ایران مانع شوند و هر گاه این ضدیت در این حال نامعلوم ایران امتداد بیدامی کرد برای طرفین یا برای يك طرف و سوسه پیدا میشد که در امور داخله ایران مداخله کند و نگذارد دیگری از این وضع حالیه فایده ببرد یا بضرر دیگری برای خود تحصیل فایده بنماید مقصود از مذاکرات حالیه فیما بین روس و انگلیس این است که چنین اشکالی فیما بین بروز نکند و این مذاکرات بهیچوجه بر ضد ایران نبوده است در حقیقت چنانکه مسیوایزولسکی برای مشیر الملک توضیح کرده و گفته اند « هیچیک از دو دولت مطالبه از ایران ننموده و باینجهت دولت ایران میتواند تمام هم خود را برای انجام مسائل داخله صرف نماید » هر دو وزیر کاملاً در خصوص مذاکره نکردن موافق بوده و جای شبهه باقی نگذاشته اند کلمات مسیوایزولسکی که نیز حاوی قصد انگلیس است از قرار ذیل است :

« قانون نامه دولت روس این خواهد بود که مادامیکه بمصالح آنها خللی وارد نیامده از هر گونه مداخله در امور داخله ممالك دیگر احتراز جویند و بکلی انحراف از این قانون در این مسئله حالیه غیر ممکن است » .

در باب شهرت تقسیم ایران فیما بین روس و انگلیس که میگویند دولتين مزبور میخواهند حوزه اقتدار برای خود تعیین کنند جنابان سرادوار دگری و مسیوایزولسکی این فقره را صریحاً توضیح کرده اند که بهیچوجه این شهرتها مأخذی ندارد و چیزی که دولتين میخواهند این است که قراردادی برای منع اشکالات و اختلافات آتیه بسته شود که بموجب آن قرارداد هیچیک از دولتين در آن نقاط ایران که متصل بسرحد دیگری است نفوذ خود را پیشنهاد ننمایند این قرارداد بمصالح خود ایران یا ملت خارجه دیگری خللی وارد نمیآورد و فقط دولتين روس و انگلیس را متعهد میسازد که در ایران در صدد اقدامی که مضر بحال یکدیگر باشد بر نیایند و در آتیه از مطالباتی که در گذشته تا آن درجه

مغل به پیشرفت خیالات سیاسی ایران بوده است ایران را مستخلص سازد و اظهارات جناب مسیو ایزولسکی این است: (قرارداد فیما بین دو دولت اروپایی که نهایت مصالح را در ایران دارند و آن قرارداد مبتنی است بر ضمانت استقلال و انتگریته (۱) ایران اسباب ترقی مصالح ایران خواهد بود و ایران به همراهی و کمک دو دولت مقتدر همچو ایران خود میتواند بعد از این تمام قوای خود را صرف ترقی داخله خود بنماید) از مطالب فوق ملاحظه خواهند فرمود که این شهرت‌هاییکه در این اواخر در خصوص خیالات سیاسی انگلیس و روس در ایران داده اند تا چه اندازه بی مأخذ است بهیچوجه نیت حمله باستقلال ایران نداشته قصد دولتمن از بستن این قرارداد اینست که استقلال ایران ابدالدهر تأمین نمایند نه فقط میخواهند عذر بجهت مداخله کردن در دست نداشته باشند بلکه قصدشان در این مذاکرات دوستانه این بود که یکدیگر را نگذارند در ایران بعد از حفظ مصالح خود دخالت کنند و دولتمن مزبور امیدوارند که در آتیه دولت ایران ابدالدهر از طرز مداخله خارجه مستخلص و در اجرای امور مملکتی خود بوضع خودشان کاملاً آزاد بوده باشند که فوائد آن عاید خودشان و تمام دنیا گردد.

نامه وزیر مختار انگلیس بسعدالدوله

وزیر امور خارجه ایران

(۲ شعبان ۱۳۲۵ قمری ۱۱ سپتامبر ۱۹۰۷) (۲)

از آنجائیکه دولتمن انگلیس و روس مایلند که از هر گونه علل تصادف فیما بین مصالح خودشان در بعضی نواحی ایران که از یک طرف متصل یا واقع است در حوالی بلافاصله حدود افغانستان و بلوچستان و از یک طرف در سرحد روس احتراز جویند در این باب قرارنامه دوستانه امضاء نموده اند از قرارنامه مزبور دولتمن مزبورترین انتگریته و استقلال تمامه دولت ایران را متفقاً قبول مینمایند و مدلل میدارند که قصد صادقانه آنها

۱- Integrité — تمامیت ارضی

(۲) عین همین نامه در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۰۷ از سفارت روس بوزارت خارجه

ایران رسید.

ترقی صلح آمیز آن مملکت و همچنین برقراری دائمی فوائد تجارتی و صنایعی سایر ملل بطور مساوات است علاوه بر این هر يك از این دو دولت متعهدند (در صورتیکه دولت ایران امتیازات بخارج بدهد) که درصدد تحصیل امتیازاتی متصل بسرحد دیگری یا درحوالی آن سرحد بر نیایند محض رفع اشتباه آتیه و نیز محض احتراز ایجاد وضعی که ممکن باشد بای نحوکان دولت ایرانرا بحال اضطراب درآورد نواحی مزبوره را در قرارداد بطور وضوح تعیین نموده اند درخصوص مالیاتیکه برای تأمین قروض دولت ایران از بانك استقراضی روس و بانك شاهنشاهی ایران معین شده دولتین روس و انگلیس قبول نموده اند که این مالیات در آتیه كمافی السابق برای همین منظور برقرار بوده باشد و دولتین مزبور تین متفقاً متعهد میشوند که در صورت عدم ترتیب ادای وجه استهلاك یا منافع قروض سابق الذکر دوستانه در اینباب با هم مشورت نمایند که متفقاً ملاحظه کنند برای تأمین مصالح طلبکاران (بموجب قانون بین المللی) و برای احتراز از هر گونه مداخله که مخالف اصول این قرارداد باشد لازم است چه اقدامی بعمل آید در ضمن امضای این قرارداد دولتین مزبور تین از اصول اصلی که مراعات کامله اتکریته و استقلال دولت ایران بوده باشد بهیچوجه صرف نظر ننموده اند مقصود از این قرارداد چیزی نبود مگر احتراز از بروز اشتباه فیما بین دولتین متعاهد تین از جهت امور ایران دولت علیه ایران متقاعد خواهند شد که این قرارداد فیما بین دولتین روس و انگلیس کاملاً اسباب امنیت و سعادت و بالاخره موجب ترقی ایران خواهد بود.

وزیر مختار انگلیس در تاریخ ۱۵ شعبان ۱۳۲۵ هجری قمری (۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ میلادی) متن فرانسه و ترجمه فارسی قرارداد را ضمیمه مراسله ذیل برای سعدالدوله وزیر امور خارجه ایران فرستاد.

جناب مستطاب اجل اکرم، افتخرا با کمال احترام تصدیق افزا میگردد بموجب دستور العملی که از دولت متبوعه دوستانه رسیده شرف دارم که صورت ترتیب منعقد فیما بین دولتین انگلیس و روس مورخه ۳۱ اوت ۱۹۰۷ را تا اندازه ای که راجع بدولت علیه ایران است لذا ایفا دارم محض تسهیل قرائت نوشته مزبور ترجمه غیر مستند آنرا بنسخه فرانسه الحاق داشت محض احتراز از هرگونه اشتباه نیز باید اظهار بدارم که

مسلم است نسخه فرانسه سندیت خواهد داشت صورت این قرار داد رسماً بدول معظمه ایفاد خواهد شد و بزودی نیز انتشار خواهد یافت. سر اسپرینگ ریس

مقدمه ترجمه فصول معاهده دولتین روس و انگلیس راجع به ایران که در یادداشت سفارت روس بوزارت امور خارجه ایران مندرج است :

بفضل الهی مائیکلائی دوم امپراطور بل استقلال کل ممالک روسیه و مسکو و کیو و ولاد میرو نوگرو و پادشاه غازان و حاجی ترخان و لهستان و غیره و غیره اعلام میداریم بموجب موافقتیکه فیما بین ما و اعلیحضرت پادشاه انگلستان و امپراطور هندوستان حاصل شده بود و کلائی مادر بطرز بورخ بتاریخ ۲۸ ر ۳۱ اوت ۱۹۰۷ قرارداد دادی را که راجع بکارهای ایران و افغانستان و تثب و شرح آن کلمه بکلمه از قرار تفصیل ذیل است منعقد و ممضی داشتند.

متن قرارداد

اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه انگلستان و امپراطور هندوستان چون از روی صداقت مایل بودند که با رضایت طرفین بعضی مسائلی را که در آسیا دولتین در آن ذی منفعت بودند تسویه نمایند مصمم شدند که بمقتد موافقتی از هر گونه اختلافات فیما بین روسیه و بریطانیه جلوگیری نمایند و باین مقصود امپراطور روسیه مسیو ایزولسکی وزیر امور خارجه را و اعلیحضرت پادشاه انگلستان و ایرلاند و امپراطور هندوستان سر نیکولسون (۱) سفیر کبیر خود مقیم دربار روسیه را وکیل خود قرار دادند و ایشان بعد از ارائه اختیار نامجات خود که صحیح و معتبر بود مراتب ذیل را مقرر داشتند:

فصل اول - دولت بریتانیا متعهد میشود که در ماوراء خطی که از قصر شیرین شروع شده از اصفهان و یزد و خواف گذشته بنقطه ای در سرحد ایران در مقطع حدود روسیه و افغانستان (ذوالفقار) منتهی میشود برای خود امتیازی خواه تجارته باشد خواه

(۱) سر آرثور نیکولسون تا نوامبر ۱۸۸۵ نایب سفارت انگلیس در تهران و از این تاریخ تا ۱۸۸۸ مسیعی کاردار سفارت بود مارولد نیکولسون نویسنده سیاسی و نماینده سابق مجلس مبعوثان انگلیس فرزند اوست که در تهران تولد یافت .

سیاسی از قبیل امتیاز راه آهن و بانك و تلگراف و حمل و نقل و بیمه و غیره تحصیل ننماید و از رعایای انگلیس یا دولت دیگر در تحصیل این امتیازات تقویت نکند و در صورتی که دولت روسیه در تحصیل این قبیل امتیازات تقویت بکند دولت انگلیس بطور مستقیم یا غیر مستقیم تعرض ننماید.

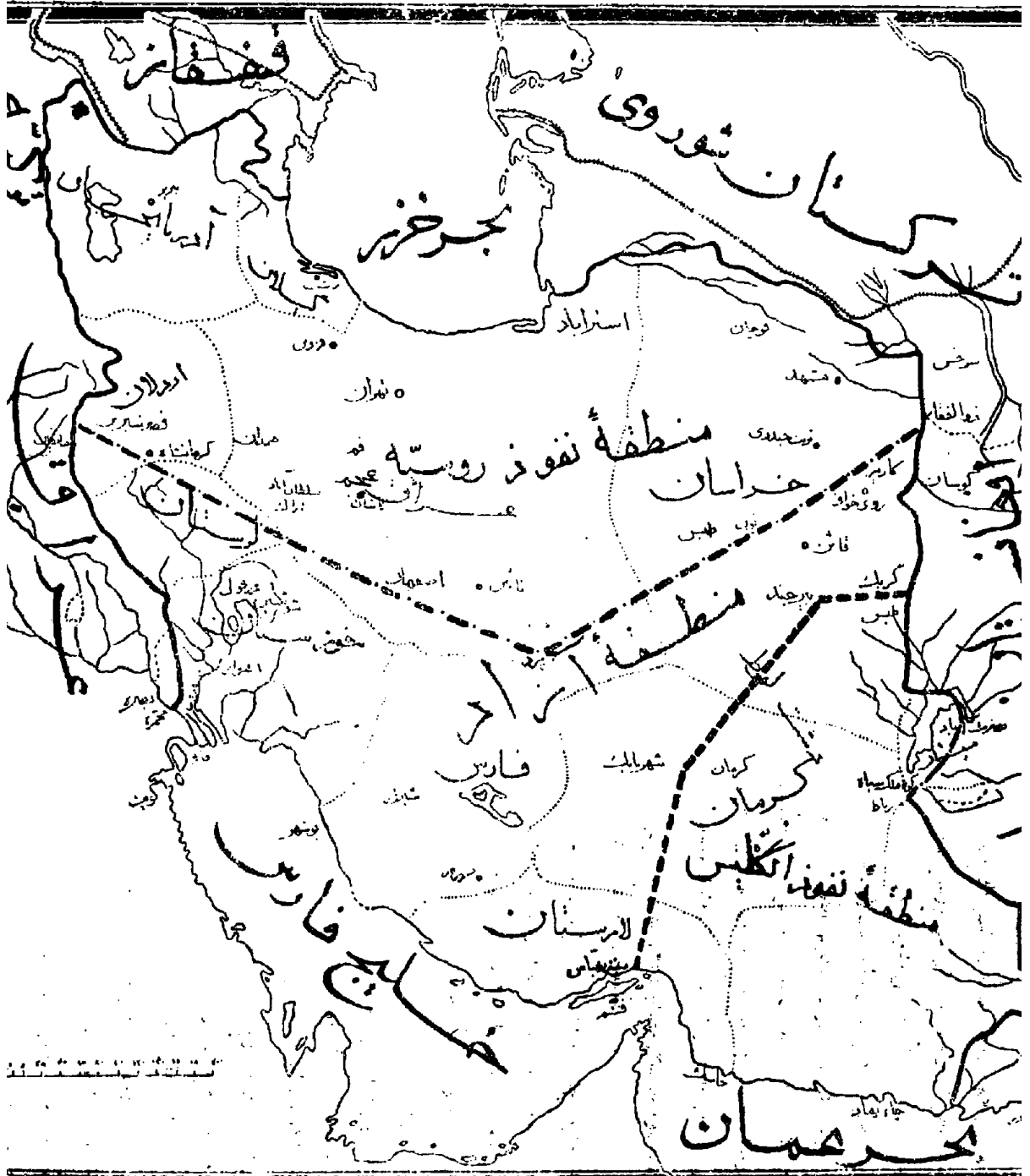
بدیهی است محل مفصله فوق قطعه ایست که دولت بریتانیا متعهد میشود در آنجا در صدد تحصیل امتیازی نباشد.

فصل دوم - دولت روسیه از طرف خود متعهد میشود که در ماوراء خطی که از سرحد افغانستان از گزیک شروع شده از بیرجند و کرمان گذشته بپندر عباس منتهی میشود برای خود امتیازی خواه تجارتي باشد خواه سیاسی از قبیل امتیاز راه آهن و بانك و راه و حمل و نقل و بیمه و غیره تحصیل نکند و در صورتیکه دولت انگلیس در تحصیل این امتیازات تقویت بکند دولت روسیه بطور مستقیم یا غیر مستقیم تعرض ننماید بدیهی است محل مفصله فوق قطعه ایست که دولت روسیه متعهد میشود در آنجا در صدد امتیاز نباشد.

فصل سوم - دولت روسیه متعهد میشود که بدون مذاکره و قرارداد با دولت انگلیس از اینکه در وسط خطوط مفصله در مواد ۲ و ۱ امتیازی بر رعایای انگلیس داده شود ممانعت ننماید و همچنین بریتانیا در باب امتیازی که بر رعایای دولت روسیه در نقاط مزبور داده شود همین تعهد را مینماید تمام امتیازات که فعلا در نقاط مفصله در مواد ۲ و ۱ موجود است بحال خود باقی خواهد بود.

فصل چهارم - واضح است که عایدات گمرکات ایران غیر از گمرکات فارس و خلیج فارس که محل تأدیه اصل و فرع قروضی میباشد که دولت ایران از بانك استقراضی و رهنی ایران تا تاریخ امضای این قرارداد نموده است کماکان بهمان مصرف خواهد رسید واضح است که عایدات گمرکات ایران در فارس و خلیج فارس و نیز عایدات صید ماهی در کناره بحر خزر که متعلق به ایران است و همچنین عایدات پست و تلگراف کمافی السابق بمصرف استقراضی خواهد رسید که دولت ایران از بانك شاهنشاهی تا تاریخ امضای این قرارداد نموده است.

نقشه ایران بعد از تعیین مناطق نفوذ روس و انگلیس



فصل پنجم - در صورتیکه در استهلاک یا در تأدیه تنزیل قروض که ایران از بانک شاهنشاهی ایران و بانک استقراضی و رهنی تاتاریخ امضای این قرارداد ننموده است بی ترتیبی بروز نماید و اگر مقتضی بشود که در عایداتی که محل استقراضی است که از بانک استقراضی و رهنی ایران شده است روسیه در نقاطیکه در ماده دوم ذکر شده است نظارت نماید و اگر برای دولت انگلیس اقتضا نماید که در عایداتی که در ماده اول این قرارداد ذکر شده است نظارت نماید دولتین روس و انگلیس متعهد میشوند که قبل از وقت دوستانه مبادله افکار نموده در اقدامی که برای نظارت باید بکنند اتفاق کرده از اقدامی که مغایر اساس این قرارداد باشد احتراز نمایند .

پاسخ مورخه ۲۵ رمضان ۱۳۳۵ هجری قمری وزیر امور خارجه ایران
بنامه وزیر مختار انگلیس

مراسله محترمه جناب جلالتآب وزیر مختار مورخه ۱۵ شهر شعبان ۱۳۲۵ و ۲۸ سپتامبر ۱۹۰۷ که متضمن سواد یکقسمت قرارداد منعقد فیما بین دولتین قویشوکتین انگلیس و روس راجع بایران و دارای يك مقدمه و پنج فصل بود و اصل گردید اینك در جواب زحمت افزا میشود چنانكه خاطر نصفت مظاهر آنجناب تصدیق خواهد کرد قرار داد مزبور فیما بین دولتین قویشوکتین انگلیس و روس منعقد شده بنابراین مفاد آن هم راجع بدولتین مرقومتین که قرارداد مزبور را مضاء کرده اند خواهد بود و دولت علیه ایران نظر باستقلال که بفضل خداوند متعال بخودی خود دارا ست کلیه حقوق و اختیار ائیرا که از استقلال تام این دولت علیه حاصل است از اثر نفوذ هر قسم قراردادی که مابین دو یا چند دولت خارجه در باب ایران منعقد شده یا میشود اصولاً و حتماً مصون و محفوظ میدارد و از روابط خود با دول متحابه و تشیید مبانی و داد و یکجتهی موافق اصول عهود مقدسه و قاعده درهای باز برای تجارت بین المللی سعی بلیغ خواهد داشت در باب وجوه استقراضی هم بدیهی است که دولت علیه فصل قرار داد هائیرا که در اینباب منعقد شده است بدون تخلف رعایت خواهد نمود برای اظهار و اعلام اصولی که در این مراسله مفید و مصرح است سوادى از آن برای نمایندگان دول متحابه مقیمین در بار علیه ارسال گردید .

حسن مشیرالدوله

نامه مورخه ۲۷ رمضان ۱۳۲۵ وزیر مختار آمریکا بوزیر امور خارجه ایران

مراسله مودت مواصله مورخه دوم شهر رمضان المبارک بانضمام سواد مراسله جوابیه نمایندگان دولتین قویشوکتین روس وانگلیس در مسئله قرار داد فیما بین آن دو دولت در باب ایران که امضاء کرده بودند واصل فوراً صورتی از آن بدولت متبوع مفخم خود ارسال میدارد و بحضورت مستطابعالی نیز خاطر جمعی میدهد که دولت متبوع دوستدار نسبت باین دولت علیه واشکالاتی که واقع شده است با نیت صافی و دلسوزی امیدوارند که نهایت سعی و ادرانتظام مخالفت آن مرعی خواهند داشت .
بر یچمن امر سن

وزارت امور خارجه ضمن نامه شماره ۱۱۳۱ ر ۲۲ مورخه غره شوال ۱۳۲۵ هجری قمری از مراسله مزبور سفارت آمریکا تشکر نمود .

دوماه قبل از امضای قرارداد ۱۹۰۷ وزارت امور خارجه انگلیس در جواب استفسار وزیر مختار ایران در لندن اظهار داشت که صحبت تقسیم ایران بمنطقه نفوذ در میان نیست اولین چیزی که در قرارداد ذکر شده استقلال و سالم ماندن ایران است فقط قراری که داده شده این است که در بعضی نقاط جنوبی ایران از قبیل سیستان و آنحد و دروس در صدد تحصیل امتیاز از دولت ایران بر نیاید و ما هم در شمال ایران در صدد تحصیل امتیازات از دولت ایران بر نیائیم از خلیج فارس و قسمتهای دیگر هم در قرارداد ذکر نشده مقصود عمده رفع ماده رقابت و برقراری صلح است و گمان ندارم که دولت ایران بعد از ملاحظه متن آن ایرادی بر این قرارداد بگیرد و اگر دولت ایران بهیچ يك از ما امتیاز ندهد در حقیقت این قرارداد را کان لم یکن کرده است .

سفارت ایران در لاهه در تاریخ ۱۴ شعبان ۱۳۲۵ گزارش داده بود که از طرف دولت و ملت آلمان هر نوع سعی و کوشش شده که بلکه مانع از پیشرفت اینکار بشوند و نگذارند که عقد اتحاد مابین دو دولت صورت پذیر شود و در واقع هم در سر بعضی از مطالب مندرجه در این عهدنامه بطوری اختلاف رأی مابین مأمورین دولتین حاصل شده بود که آنهاست که بر ضد این قرارداد بودند مخصوصاً دولت آلمان کاملاً امیدوار بود که این قرارداد بهم بخورد موضوعی که بیشتر اسباب خشم دولت آلمان شده این است

که یکی از مطالب مهم مندرج در این قرارداد که طرفین تعهد کردند مسئله بیطرفی در آسیا است باین معنی که بعضی از دول آسیا را بیطرف قرار داده و باین واسطه رفع اختلاف ما بین خودشان نموده و طوری نمایند که دیگر دول اروپا در آتیه آسیا مسئله سیاست آنرا مورد اسباب منازعه و اختلاف خود قرار ندهند در هر صورت فوائد این عهد نامه بدیهی است برای دولتین متعاهدین است و برای کشورهای ضعیف و ناتوان زیانش بسیار.

نظریه سفارت ایران در لندن

وزیر مختار ایران در لندن اظهار نظر کرده بود * با این وضعی که ایران دارد قرارداد بین روس و انگلیس با اینکه تعیین منطقه نفوذ نموده و در باب رهن و استقراضات شرایط قرار داده اند رو بهمرفته برای ایران بهتر است چون قبل از قرارداد ایران بیشتر در معرض خطر بود زیرا بواسطه ضدیت و رقابتی که بین دولتین بود امکان داشت که هر آن وضع طوری بشود که معارضه بین دولتین تولید گردد و در آن میان هزار نوع صدمه به ایران وارد آید و انگلیس سیستان و نقاط جنوبی را در تحت حمایت و بلکه تصرف خود آورد و روس هم شمال را و در صورت ضعف یکی از این دو دولت تمام ایران تحت نفوذ و تسلط یکی از آنها در آید اگر این خطر بزرگ نبود البته قرار داد برای ایران بد است زیرا که بواسطه تقسیم دایره منافع حالا از استقلال ایران میکاهد و هرگاه ایران بضعف حالیه بماند این قرارداد اسباب خواهد شد که مآلاً ایران بین دولتین تقسیم شود قرارداد حفظ استقلال و تمامیت ایران را مینماید پس ایران از خطر بزرگی که بواسطه ضدیت بین دولتین بود جسته است و هرگاه منظم و مقتدر شود کم کم باطل میشود صورت ظاهر قرار داد را که شخص ملاحظه میکند قانوناً دولتین کاری در ایران نمیتوانند بکنند و ایرافرا مجبور نمیتوانند بنمایند و حتی اگر ایران بخواهد در شمال بیکنفر انگلیسی امتیاز بدهد و در جنوب بیکنفر روس میتواند در صورتیکه آنها حمایت و همراهی دولت متبوعه خود را نخواهند ولی البته این مسئله اسباب اشکالات و گفتگو خواهد شد و بهتر است که سعی شود بپیچیک از دولتین امتیاز ندهند .

تقسیم دایره منافع هم تا اندازه ای باستقلال ایران بر می خورد و دولت علیه خوب است پروتست نمایند و اظهار دارند که در دادن و ندادن امتیازات خود را مختار میدانند شرحی که در باب استقراضات و کنترل در گمرکات شده نیز باستقلال ما بر می خورد اگر چه میگویند که این شرطی است که در ممالکی که مالیات خود را رهن استقراض مینمایند گذاشته میشود چنانچه در عثمانی هم این ترتیب همیشه معمول میبود ولی این قبیل شرایط در مملکتی مثل ایران همیشه اسباب شده که دول شرط کننده بزور در امور داخله مملکت مداخله نمایند و باید پروتست شود تمام ضرر و عدم ضرر این قرارداد بسته بتقویت و انتظام داخله ایران است هر گاه مقتدر و منظم بود دولتین اصلاً این قرارداد را نمیبستند و حالا هم اگر انشاء الله تعالی قوامی پیدا کند و امور داخله اصلاح شود این قرارداد کم کم باطل خواهد شد و اثری نخواهد داشت و هر گاه خدای نخواسته غیر از این باشد استقلال ایران متدرجاً بکلی از میان خواهد رفت و حدودی را که حالا دایره منافع خود قرار داده اند بکلی در تحت تسلط و حکمرانی خود خواهند آورد.

اولیای دولت علیه بهتر میدانند که این قبیل پرتسها فائده ندارد و همین قدر لازم است محض اینکه دولتین سکوت را علامت رضا نیندارند و برای آتیه جای حرفی باقی باشد مادامیکه ایران در این حال است حضرات هر کاری که بخواهند میکنند هر قدر معاهدات در انظار ملل و قانوناً مقدس باشد دولتین آنچه منفعت و صرفه خودشان است خواهند نمود و هر وقت هم لازم شود از عهد شکنی مضایقه نخواهند داشت و اگر هم دولت ثالثی بحمايت ایران برخیزد و میانجیگری نماید او را هم بخرج ایران راضی خواهند نمود و حق السکوت خواهند داد اول چیزی که لازم است برقراری انتظام داخله و تهیه قشون کافی است که بتواند اقل سرحدات مملکت را حفظ نماید و همه روزه در مطبوعات خارجه ننویسند که عساکر عثمانی بطرف فلان قریه ایران حمله نموده و فلان شهر را تصرف کرده اند و مردم پیرسند که آیا در سرحد ایران یکنفر سرباز پیدا نمیشود و چطور است که هیچ ممانعت و دفاعی از طرف ایرانها نمیشود در صورتیکه ما مجبور هستیم که بدولیکه در پی زیاد نمودن نفوذ و اقتدار خود در ایران هستند و از خدا میخواهند که مابطوری بی قدرت و بیچاره باشیم که در کف دست آنها مثل موم بهر شکلی که میخواهند

مارا در آورند) ملتجی شویم و از آنها بخواهیم که دشمن را از خانه ما بیرون کنند چه آبرو و عرضه دیگر برای ما پیش این دول باقی میماند و پروتست و گله و شکایت چه فایده و ثمر خواهد داد.

در همان موقع وکیل قانونی سفارت لندن در باب قرار داد نظر داد که دولتین در مقدمه آن اظهار کرده اند که مایل بحفظ انتظام و ترقی و آرزوی صلح و آرامی در ایران هستند این خود مسئله ایست که تا چه درجه دولتین میتوانند در حفظ انتظام مملکت همجواری مداخله نمایند جهتهای این مداخله را ذکر نموده اند ولی دولت ایران خوب است پروتست نماید در این باب در فصل ۲ و ۳ که دولتین متقبل میشوند در حدود یکدیگر امتیاز نخواهند ربطی بایران ندارد زیرا که ایران طرف نیست و این قراردادی است بین دولتین و این قرار داد برای ایران بد است زیرا که باین واسطه قدرت امتیاز دادن ایران محدود میشود و هرگاه تبعه روس در جنوب امتیاز بخواهد انگلیس ضدیت خواهد کرد بهمین منظور اگر انگلیس در شمال اگرچه بموجب قرار داد ایران مجبور نیست مخالفت طرفین را قبول نماید ولی این نکته ایست که طرف کدام باید باشد دیگر اینکه بموجب فصل ۳ دولتین میخواهند در دایره بی طرف هم در مسئله امتیازات بمشورت یکدیگر کار کنند و حق مخالفت معین کرده اند کلیه این فصل در باب امتیازات بد است زیرا مانع میشود از اینکه ایران در اقدامات مالی و اقتصادی سرمایه داران انگلیس و روس خصوصاً انگلیس را که در سرمایه داری بر سایر ملل برتری دارند دخیل نماید و راجع باستقراضات و رهن گمرکات خود واضح است که بد است و پروتست لازم دارد.

مورگان شوستر (۱) در کتاب اختناق ایران مینویسد که :

قرارداد ۱۹۰۷ چیز مسخره و پرتزویی بود و نمیتوانست دلیلی برای منع روس و انگلیس از استخدام ماجر استوکر (۲) برای ژاندارمری ایران باشد چون در مقدمه همان قرارداد تصدیق و تصریح شده که روس و انگلیس تعهد دارند که تعاضیت

ارضی و استقلال ایران را محترم شناخته و تمایل صمیمانه خود را برای حفظ نظم صالح آمیز و ترقی در سراسر ایران اعلام داشته‌اند و یکی از اصول اولیه حق حاکمیت يك کشور هم آنست که در اداره امور داخلی خود لااقل در حدود حقوق بین الملل مختار باشد و بدون تردید عزل و نصب مأمورین هم جزو همین حقوق ملی است و انکهی منظور نمایان قرارداد این بود که هیچیک از طرفین نباید برای خود یا اتباع خویش هیچگونه امتیاز سیاسی یا تجاری در منطقه نفوذ دیگری بخواهد و قضیه استخدام ماجر استوگر هیچ ربطی باین مسئله نداشته و هیچوجه و تصویری نمیتوان گفت که کار استخدام او امتیازی برای انگلستان بوده بدیهی است این موضوع بفکر وزارت خارجه انگلستان هم خطور ننموده بود ناوقتیکه روسها موضوع را پیش کشیدند و این تفسیر روس ها مورد نداشته چون مقررات قرارداد باندازه کافی صراحت داشته و جای تفسیری نبوده است و اظهار سرادارد گری که این عمل بر خلاف روح قرارداد بوده عاری از حقیقت است .



رجال و محافل انگلیسی منتسب به حکومت هند که احساسات شدید ضد روس داشتند با قرارداد ۱۹۰۷ بصورتیکه امضاء شده بود مخالف بودند در ۶ فوریه ۱۹۰۸ لرد کرزن در مجلس لرد ها با این قرار داد که آن را بیشتر بر لسه روس ها میدانست مخالفت کرد و باز تاکید نمود که خطر حقیقی برای هندوستان از راه خلیج فارس خواهد بود .

لرد کرزن معتقد بود که انگلستان با امضاء این قرارداد سیاست دیرین آسیائی انگلیس را فدای مقتضیات دیپلماسی اروپائی ساخت و این کار خیانت نسبت با اعتمادی بود که ایرانی ها در مدت نیم قرن بدوستی انگلستان نموده بودند لرد کرزن بقول هارولد نیکلسن از زندگی آرام منزوی خود سر بر کشید تا بر ضد قرارداد ۱۹۰۷ علم مخالفت بلند کرده باشد و میگفت من گمان نمیکنم که این قرار داد از لحاظ قسمت ایران آن منجر با امنیت هندوستان و یا استقلال ایران بشود و یا موجب تأمین صلح و صفا در آسیا گردد و این پیش بینی کرزن صهیح در آمد .

قرارداد ۱۹۰۷ فقط برای منظور موازنه قوا در اروپا ایجاد شد تهدید روزافزون قدرت آلمان چه در خشکی یا در دریا باعث شد که کابینه انگلیس از خود بپرسد آیا آتاتات فرانسه و انگلستان از يك طرف و اتحاد روسیه و فرانسه از طرف دیگر کافی خواهد بود که دوات آلمان را از اقدام بعملیات خطرناك بازدارد در اثر این نگرانی و بررسی ها باین نتیجه رسیدند که این دواتحاد سیاسی باید بایك قرارداد روس و انگلیس مستحکم و تکمیل گردد .

لرد کرزن در همان موقع اعلام داشته بود که این قرارداد نه فقط در نظر ایرانی ها و خارجیها بمنزله قصد تقسیم ایران تلقی خواهد شد بلکه روسیه حتی يك آن هم خود را واقعا پابند اصولی که در مقدمه قرارداد قید شده نخواهد دانست کرزن در این پیش بینی خود نیز صادق بود .

لرد کرزن و صاحب نظران سیاسی مربوط بحکومت هند معتقد بودند که در ترسیم منطقه نفوذ بایستی قسمت جنوبی کشور از سیستان کرمان یزد اصفهان و همدان ناحیه انگلیس باشد . چون روسیه نه تنها منطقه شمالی را که شامل بایتخت هم بود مورد تهدید و تحت حمایت خود قرارداد بلکه در قرارداد پوتسدام که سال ۱۹۱۱ با آلمان بست با آن دولت موافقت حاصل کرد که رشته راه آهن آینده شمال ایران با خط آهن بغداد در خاقین اتصال یابد و اعتراضات دولت انگلیس هم نسبت به چنین سازش سیاسی که مخالف قرارداد ۱۹۰۷ بود بجائی نرسید و اطمینانانی هم که لندن به تهران میداد در اینکه بطرز بورك را به مقدمه قرارداد ۱۹۰۷ مقید خواهد کرد اساسی نداشت و ایرانیان باین اطمینانها واقعی نگذاشتند و موقعی که روسها بارگاه امام رضا را بمباران کردند دیگر اعتماد ایرانیها نسبت به حسن نیت و اقتدار انگلیس بسرعت از بزوالت رفت و این سلب اعتماد وقتی شدید شد که بلشویکها در نوامبر ۱۹۱۷ مواد عهدنامه سرری موسوم به « موافقت نامه ۴۸ مه ۱۹۱۵ » را منتشر ساختند و بموجب این قرارداد روس قسطنطنیه و تنگه هار را تصرف میکرد و انگلیس در هوش تمام ناحیه بیطرف واقعه بین دو منطقه نفوذ را در ایران بر منطقه خود میافزود و در نتیجه این عهدنامه روس در شمال ایران آزادی عمل مطلق پیدا میکرد .

تا انتشار این قرارداد برای طرفداران انگلیس در ایران اشکالی نداشت که پنداشته باشند قرارداد ۱۹۰۷ را انگلیسها در اثر موجبات و مقتضیات سیاسی اروپا امضاء کردند و تا آنوقت پیوسته این دولت با عجز و سستی ولی شرافتمندانه برای حفظ استقلال ایران در برابر قدرت روس سعی مینموده ولی پس از انتشار این موافقتنامه حتی سرسختترین انگلوفیلها دیگر نمیتوانستند منکر این حقیقت بشوند که انگلستان سیاست عملی روس که تقسیم سرزمین ایران بود تسلیم گردیده بود.

سردار دگری بانی حقیقی

قرارداد ۱۹۰۷ بود

ترولیان (۱) مورخ شهیر انگلیسی در شرح حال سردار دگری مینویسد که وی بانی واقعی قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس بود و دو فکر باعث شد که سردار دگری این قسمت از سیاست منطقی لرد لانسدون (۲) و وزیر خارجه سابق انگلیس را در مناطق جدید عملی سازد یکی آنکه از این راه بدوره رقابت و مشاجرات روس و انگلیس در حدود ایران و هند و افغانستان و یادرباره مسائل داخلی ایران خاتمه بدهد و مانع بروز جنگ بین روسیه و انگلستان شود.

چون رفته رفته خطر پیشرفت روسیه بطرف هندوستان شدیدتر شده و تصادم منافع روس و انگلیس در ایران صورت خطرناکی پیدا کرده بود. مصالح دو امپراطوری انگلیس و تزاری روس در چندین نقطه نه فقط در ایران بلکه در حدود افغانستان و تبت نیز بطوری در حال اصطکاک بود که سردار دگری چاره‌ای بهتر از آن ندید که برای رفع مشکلات سیاسی و حل اختلافات با روسیه داخل مذاکرات مستقیم بشود و قراردادی فی‌مابین دو دولت امضاء و مانع مشاجرات و تصادفات سیاسی گردد. ولی اینراه حل مطابق با نظریه رجال وابسته به حکومت هندوستان مقیم لندن نبود.

دلیل دیگر پیش آمد بحران مراکش بین آلمان و فرانسه بود و سردار دگری از

احتمال وقوع جنگ بین روس و انگلستان سخت بیمنع است بود زیرا از چنین واقعه خطرناکی فقط دولت آلمان قوی که در جناح هر دو قرار داشت میتوانست بهره مند شود بعلاوه چگونه ممکن بود انگلیس با فرانسه اتحاد و دوستی داشته باشد ولی با متحد فرانسه یعنی روسیه دشمنی و مخالفت نماید و در چنین وضعی کاملاً امکان داشت که ناگهان روسیه برای پیش بردن مقاصد خود در آسیا، با آلمان در اروپا قراردادی امضاء کند و قضا یا بزبان انگلستان تمام شود بهمین دلیل در حین مذاکرات کنفرانس مراکش سراداردگری به سرارتور نیکلسن که نماینده انگلیس در آن کنفرانس بود مینویسد که انعقاد يك قرارداد اتحاد بین روسیه و فرانسه و انگلستان امنیت ما را کاملاً تضمین خواهد کرد و به سر اسپرینگ رایس وزیر مختار انگلیس در تهران نوشته بود :

هم احتیاج امضای قراردادی با روسیه راجع به ایران و هم اشکالاتی که در این امر وجود دارد قابل انکار نیست

از طرفی مقاومت با تمایل افراطیون روس در اشغال و تصرف ایران البته از طرف خود ایرانیان عملی نبوده و اگر از راه دیپلماسی و سازش سیاسی انگلیس اینکار را نمیکرد چاره‌ای برای جلوگیری از اشغال ایران از جانب روسها و نزدیک شدن آنها به خلیج فارس و حدود هندوستان نداشت مگر اینکه با روسیه از در جنگ درآمده باشد و آنهایی که از سیاست امضای قرارداد روس و انگلیس انتقاد کرده‌اند هیچ نگفته‌اند که کدام يك از دو راه حل دیگر را بیشتر می‌پسندیدند آیا اشغال ایران بوسیله قوای روس یا اقدام انگلیس به جنگ با روسیه را .

در آن موقع افکار عمومی در انگلستان و حتی افراد رادیکال حزب خود او و کارگران انگلیس طرفدار رویه مقاومت در مقابل روسیه بودند که ممکن بود منجر به جنگ شود و فکر انگلیسها در این باب که انگلستان باید شمال ایران را نیز از خطر روس مصون بدارد بواسطه طرز حکومت ظالمانه و جباری تأیید میگردد و با آنکه سراداردگری بدستگاه دولتی روسیه اعتماد نداشت برای پیشرفت منظور سیاسی خود باز ناگزیر بود با آنها کنار بیاید .

مذاکرات رسمی مربوط بقرارداد از ماه ژوئن ۱۹۰۶ تا اوت ۱۹۰۷ در جسرین بود و رقابت سیاسی روس و انگلیس در ایران در این تاریخ بحد خطرناکی رسیده بود سراسپرینک ریس وزیر مختار انگلیس در تهران در ماه نوامبر ۱۹۰۶ بوزیر خارجه خود نوشته بود :

« رفتار هارتویك (وزیر مختار روسیه در تهران) واقعاً خیلی دوستانه است و اوجداً مایل است که درباره مسائل اروپائی قرار دادی فیما بین ما امضاء شود ولی بهیچوجه تردید ندارد که دولت روسیه طالب است که تمام ایران را تحت تسلط خود در آورد و حال آنکه حکومت هندوستان نیز میخواست که سراسر ناحیه جنوبی ایران و سواحل خلیج فارس منطقه نفوذ انگلیس باشد و همین موضوع شدیدترین اختلاف نظر و تصادم را بین دو دولت ایجاد میکرد و بنابر همین دلیل مهم حکومت هند برخلاف بامقررات قرارداد ۱۹۰۷ بود و آنرا بزبان انگلستان میدانست . امضای این قرارداد با مخالفت شدید ایران مواجه گردید و ایرانیان آنرا برخلاف استقلال مملکت میدانستند ولی ایران در آن موقع استقلالی نداشت و نمیتوانست هم داشته باشد و اگر تهران پایتخت کشور در منطقه روس افتاد تقصیر سرادوار گری نبود بلکه وضع جغرافیائی موجب این اشتغال بود چنانکه خود وزیر خارجه هم در جلسه ۱۰ ژوئیه ۱۹۱۲ مجلس نمایندگان انگلیس اظهار داشت « من گاهی دچار تردید میشوم از اینکه آیا آن اشخاص که در این مجلس راجع به ایران صحبت میکنند واقعاً میدانند که تهران در کجا واقع است »

سرادوار گری امضای این قرارداد را در هر حال يك سیاست خوب و بنفع انگلیس میدانست چون میگفت هر چند امتیازات حریف در این قرارداد بیشتر است ولی از لحاظ استراتژیکی ماموقیت واقعی داشته ایم چنانکه در سپتامبر ۱۹۰۷ ینکی از دوستان خود نوشته بود « گمان میکنم تفسیرات روزنامه ها در باب قرارداد ما با روسیه زمینه و تصوراتی برای اظهار نظر شما فراهم می کنند جواب افراطیون که می گویند اصلاً لازم نبود قراردادی با روس امضا کنیم اینست که بدون تحصیل موافقتی با روسها در آسیا تصادمات مابین ما و آنها رفته رفته بیشتر و دیر باز و منجر بعواقب وخیم

و شاید هم بروز جنگ و موجب هزینه های هنگفت نظامی میگردید شما ممکن است این نظریه را بر این اصل مبتنی سازید که برای رفع موجبات دشمنی و تصادم بین ملل دادن امتیازات متقابل و موافقت و سازش کاملاً باموازین آزادینخواهی تطبیق می نماید و غفلت و اهمال در رفع این گونه موجبات باعث سوء تفاهات دائمی بین ملل و منتهی بمنازعه و جنگ خواهد گردید ما بجای امضای قرارداد دو کار دیگر ممکن بود بکنیم.

۱ - از وضع فعلی ایران بایک سیاست مثبت و جدی بزیان روسیه استفاده کرده باشیم.

۲ - ما کناره گیری نموده گذاشته باشیم همین عمل را روسیه نسبت به ما کرده باشد.

افکار عمومی از رویه اولی طرفداری نمیکند در صورتیکه از تحمل نتایج دومی هم گریزان است خلاصه به انتقاد کنندگان باید گفت که بجای امضای قرارداد ناچار بودیم سیاست داهنه داری در پیش بگیریم و سواحل خلیج فارس و حدود سیستان و افغانستان را اشغال کنیم و برای دفاع این نقاط هم حاضر بچنگ باشیم در صورتیکه با این سازش سیاسی ما شمال خلیج فارس و حدود سیستان را مصون ساخته ایم و این موضوع نیز از لحاظ سوق الجیشی برای ما اهمیت حیاتی دارد و روسیه هم برای تحصیل امتیازات در شمال ایران از رقابت های ما آسوده شده است و اگر تهران هم در منطقه روسها افتاده تقصیر وضع جغرافیائی است و انگهی تهران قبل از عقد قرار داد نیز در تحت نفوذ روس قرار داشت.

در ۱۹ ژانویه ۱۹۱۲ مسیحی سرادوار گری یسکی از دوستان خود مینویسد از قرار معلوم روزنامه دلی نیوز بمن حمله میکند که چرا قرارداد را امضاء کرده ایم ولی اگر آنها از وزارت من هم خلاص بشوند باز نمیتوانند مقصود خود را حاصل کنند چون عملی نخواهد بود و اگر ما در آسیا سیاستی را که آنها پیشنهاد میکنند تعقیب میگردیم لازم بود برای امنیت و حفظ حدود هند تدارکات نظامی فراوان فراهم سازیم و در آسیا دولت و همدمی نداشته باشیم و چون آنها ما را از مداخله در امور

داخلی دیگران منع میکنند اگر این طور نیز عمل کرده بودیم باز روابط انگلستان با همه وضع نا مطلوبی پیدا میکرد ولی البته حداکثر مداخله و همچنین حداقل دوستی و موافقت نیز خیلی زیان آور است.

گاهبل بانرمن (۱) در تاریخ سوم سپتامبر ۱۹۰۷ بمناسبت امضای قرارداد ۱۹۰۷ تبریک نامه زیر را به سرادار دگری نوشته: تبریکات صمیمانه را بواسطه امضای قرارداد با روس که يك کار بزرگی بوده اظهار میدارم این موافقتنامه لازم برای مدتی احتمال پیش آمد خطرات را در آسیا از بین برده و کارما را در اروپا آسان تر خواهد کرد و اگر این دوره آسودگی دیری هم نباید باز از قدر و مقام شما که در تحصیل این موافقتنامه مهارت و بردباری و با فشاری نموده اید چیزی نخواهد کاست.

قرارداد ۱۹۰۷ اول در انگلستان مخالفت سختی تولید نکرد ولی هنوز دیری از امضای آن نگذشته بود که در ایران مشکلات و اختلافاتی فیما بین روس و انگلیس پدید آمد و این اختلافات رفته رفته شدت یافت مبارزه بین مشروطه خواهان و مرتجعین در ایران روابط روس و انگلیس را مشکل ساخت و بهانه بدست مخالفین دولت افتاد که بدون تأخیر مورد استفاده قرار دادند.

قبل از امضای این قرارداد سیاست انگلیس مخالفت و مبارزه با سیاست روس بود در موقع جنگ کریمه و همچنین در کنگره برلن همین رویه را نسبت بآن دولت داشتند و در شرق دور هم بهمین ترتیب عمل کرده بودند ولی بعقیده سرادار دگری این يك سیاست صحیحی نبود و در آسیا برای هندوستان تولید اشکال و خطر میکرد و قتی که قرارداد ۱۹۰۷ در شرف امضاء بود نفوذ روسیه در شمال ایران پیشرفت داشته و شاه در تحت نفوذ روسها بود و مشروطه خواهان ایران با روسیه که حامی شاه مستبد بود مبارزه میکردند و اگر انگلستان در این مبارزه به آزادیخواهان کمک میکرد بر خلاف روح قرارداد میبود چون انگلیس در قرارداد مزبور تعهد نموده بود که در از بین بردن نفوذ روس در شمال ایران اقدامی نکند مگر آنکه آماده برای جنگ باشد. وزیر خارجه انگلیس باز میگوید و انگهی بواسطه دوری تهران و دسترس نداشتن ما بوسائل لازم

نمی‌توانستیم در آن مبارزه کمک مؤثری کرده باشیم البته اگر قرارداد روس و انگلیس هم وجود نداشت روسها برای حمایت از شاه ایران اقدامات عنیف ترو دخالت‌های بیشتری در کار ایران می‌کردند و گمان نمی‌کنم انگلستان برای جلوگیری از آن میبایستی با روسیه جنگ وجدال نماید و اگر چنین وضعی پیش می‌آمد خیلی مورد تأسف بود و این مطلب را نیز باید اضافه کنم که اگر قرارداد مزبور را فراهم نکرده بودیم روسها در حدود دهند برای ما زحماتی ایجاد می‌کردند و هرگاه این قرارداد را نیز لغو کنیم لازم خواهد شد تدارکات نظامی برای هرگونه احتمال خطر جنگ فراهم داشته باشیم و دیر یا زود نیز جنگی بین روسیه و انگلستان راجع به مسائل آسیائی در خواهد گرفت .

در فوریه ۱۹۱۴ سرادوردگری بسفیر جدید انگلستان در پترزبورگ مینویسد :
در اینجا شکایت نسبت به طرز اجرا و نتیجه قرارداد درباره ایران موجود است چون قرارداد ۱۹۰۷ بر اصل حفظ استقلال ایران امضاء شده و حالا روسها برای حمایت از شاه شمال ایران قوا وارد کردند و کنسول‌های روس همواره در کارهای ایران مداخله میکنند و من از این جهت خیرتی ندارم چون قبل از قرارداد هم روسها در شمال ایران و در تهران نفوذ و تسلط داشتند ولی اشغال نظامی شمال ایران از طرف روسها و اینکه هیچگونه اثر و علامتی جهت تخفیف این مداخلات دیده نمیشود و بملاوه تجارت روس تجارت انگلستان را در شمال ایران از بین برده و بواسطه مشکلاتی که در راهها و جاده‌های جنوبی ایران هست تجارت ما بکلی فلج مانده و ممکن است نفوذ بازرگانی روسیه حتی جنوب ایران را که خارج از منطقه اوست فرا بگیرد و این اوضاع در اینجا باعث نگرانی شده و اگر بجای اینکه برای دولت ایران مشکلاتی ایجاد نمایند فقط در صدد باشند قوای قزاق ایرانی را مرتب کنند و قشون خود را از ایران بیرون ببرند و دستور بدهند کنسول‌های آنها در کارهای مملکت دخالت نمایند در این صورت امیدواری بیشتری برای تسکین افکار عمومی در اینجا و زمینه بهتری برای پیشرفت کار راه آهن سراسری ایران فراهم خواهد گردید .

از مطالب این فصل خوب استنباط میشود که مورخ انگلیسی همی وافی نموده است سیاست وزیر خارجه انگلیس را در امضای قرارداد ۱۹۰۲ تأیید و این عمل او را کاملاً مصاحت آمیز محسوب داشته باشد البته از يك نویسنده انگلیسی دور از انتظار نیست که از این کار مهم سیاستمدار کشور خود دفاع نماید و لطمه و زیانی که در اثر این اقدام او به آزادی و استقلال يك ملت ضعیف وارد میآمده است ناچیز انگارد در هر حال برای اینکه حقیقت موضوع بهتر روشن شود و قضاوت درباره این قضیه تاریخی آسان تر باشد جریان نسبتاً مشروح آن که حاوی نکات بسیار مهم است ذیلاً بنحوی اجمال ذکر میشود.

سر ادوارد گری در سپتامبر ۱۹۰۵ در کابینه حزب آزادیخواهان انگلیس
وزیر امور خارجه و جانشین ار دلندون شد و تا آنوقت وی شهرت چندانی در صحنه سیاست انگلستان نداشت و از مدارج پایین در وزارت خارجه انگلیس باین مقام عالی رسید و هیچوقت هم بهاءوریت سیاسی در خارجه نبود و بنابراین در رموز فن دیپلماسی نیز استاد بشمار نمیرفت ولی وی همواره از طرفداران جدی این نظریه بود که انگلستان برای انحراف از سیاست اتروا نیازمند به همکاری و موافقت با دولت روس است و حتی پیشنهاد کرده بود بین دولتین پیمانی درباره مسائل آسیائی منعقد گردد و هنوز وزارت نرسیده معتقد بود که امضای قرارداد با روس مکمل پیمان دوستی فرانسه و انگلیس و موجب حسن روابط بین دو کشور خواهد شد و يك دفعه نیز اظهار نظر کرده بود هر حکومتی در انگلستان با خوشوقتی حاضر خواهد شد که دست روس را در خاور میانه باز بگذارد بشرط آنکه این عمل متعرج يك موافقت عمومی بین دولتین بشود.

کابینه لیبرال انگلستان از همان آغاز زمامداری تصمیم گرفت که با دولت روس کنار بیاید.

شکست روسیه در جنگ با ژاپون که موجب کاهش نیروی روس و سستی کارش در اروپا شده بود در انجام این منظور کاملاً مؤثر افتاد و این پیش آمد بزرگ جریان مذاکرات مربوط بقرارداد را طوری تحت تأثیر قرارداد که در حین مذاکره انگلیس

در واقع طرف قوی بشمار میرفت و حرفش پیش بود و هر صورت بهمان اندازه که محافظه گساران قبلاً در کنار آمدن با روس سعی بودند آزادینخواهان نیز از همان شروع بکار همین مقصود خود را بروسها آشکار نمودند و در همین موقع سرچارلز هاردینگ (۱) سفیر انگلیس در پترزبورگ که طرفدار سازش با روس بود بلندن احضار و معاون وزارت خارجه انگلیس تعیین و در غیاب سفیر، سر اسپرینگ ریس متصدی کارهای سفارت پترزبورگ شد و از این تاریخ تا ورود سفیر جدید (سر اتور نیکلسن) کار مذاکرات از طرفی بمناسبت تشکیل کنفرانس مراکش و از طرف دیگر بواسطه احتمال انقلاب در داخله روسیه معوق ماند.

از اوایل سال ۱۹۰۶ بواسطه ورود سفیر کبیر جدید انگلیس به پترزبورگ و وزیر خارجه شدن ایزولسکی که در انگلستان تحولات کرده و در ادبیات انگلیس دست داشته و متمایل بدوستی و موافقت با انگلیس بود راه پیشرفت سریع مذاکرات بین دولتم هموار گردید و در همین اوان بود که مقاله مهمی در روزنامه استاندارد لندن منتشر و اظهار نظر شد که انگلیس و روس درباره مسائل متنازع فیه در ترکیه و ایران و افغانستان و ثبت بزودی موافقت حاصل خواهند کرد و این خبر تأثیر شدیدی در محافل سیاسی اروپا و مخصوصاً در میان سیاستمداران آلمان کرد و آنها در صدد تحقیق از صحت و سقم این موضوع برآمدند و وزیر خارجه روس به سفیر آلمان در پترزبورگ فن شون (۲) گفت که هر چند مطالب مقاله مزبور صحت ندارد اما برای تثبیت وضع فعلی که روس و انگلیس در آسیا دارند مذاکراتی شروع شده است که ارتباطی با موضوع ترکیه و راه آهن بغداد و احتمال صدمه بمنافع آلمان ندارد.

در انگلستان در این موقع عده که سر اتور نیکلسن هم از آن جمله بود معتقد بودند که بین روس و آلمان روسیه برای دوستی انگلیس بیشتر قابل اعتماد و کمتر از آلمان در فکر جهانگیری بود و به خشن آلمان در جنگ انگلیس و ترانسوال و سیاست مجذانه ای که آلمان در خاور میانه و در ترکیه تعقیب میکرد و تندروی دولت آلمان

در بحران مراکش و توسعه سریع نیروی دریائی آلمان تماماً موجب نگرانی و باعث پیدایش این نظریه شده بود و در نتیجه مذاکره روس و انگلیس نیک جریان داشت تا اینکه موضوعی پیش آمد که در کندی جریان کار تاثیر عظیم کرد و آن پیش آمد این بود که در کنفرانس اتحادیه پارلمانی جهانی که در ماه ژوئیه ۱۹۰۶ در لندن تشکیل یافته بود سرهفزی گاه بل با اثر من نخست وزیر انگلیس در نطق افتتاحیه خود اشاره نامطلوبی در باره سیستم پارلمانی روس کرد که در دربار تزار و در افکار سیاستمداران روسیه سوء اثر عجیب نمود و گرمی بازار مذاکرات دوستانه دو دولت به سردی و یاس زمامداران روس تبدیل و بر اثر آن مذاکرات چندی تعطیل شد.

ولی بواسطه احتمال انقلاب در داخله روسیه از طرفی و تجدید پیمان مودت ژاپون و انگلستان از طرف دیگر که تهدیدی برای امنیت روسیه بود زمامداران روس را مجدداً متوجه و سرگرم کار مذاکره مربوط بقرارداد ساخت.

اولین موافقتی که بین طرفین حاصل شد در باب تثبیت در اواخر سال ۱۹۰۶ بود. و تا فوریه ۱۹۰۷ بواسطه اختلافی که در قضیه قرضه بدولت ایران بین دولتین پیدا شد و همچنین بواسطه نگرانی طرفین از رنجش دولت آلمان کار مذاکرات راجع به ایران پیشرفتی حاصل نکرد در فوریه وزیر خارجه روس خبر مطلوبی بسفیر انگلیس داد مبنی بر اینکه ستاد ارتش روسیه از تعقیب سخت گیری در باب بعضی نقاط سوق الجیشی جنوب شرقی ایران منصرف شده و در عوض این گذشت نظامی لازم خواهد بود که انگلیس هم بعضی امتیازات سیاسی در شرق نزدیک بر روسیه بدهد.

از اول تا ۱۴ فوریه هیئت وزیران روس منافع انعقاد قرارداد روس و انگلیس راجع بایران را مورد رسیدگی و مذاکره قرار داد و اینزولسکی بهمکاران خود اعلام داشت که باید تصمیمی نسبت به پیشنهاد انگلیس در خصوص تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ اتخاذ کنند و اشاره کرد که چنین پیشنهادی تا چندی قبل البته جالب توجه نبود زیرا همه معتقد بودند که دیر یا زود تمام ایران تحت سلطه روس قرار میگرفت ولی دیگر موجباتی که باعث ایجاد آن نظریه شده بود از بین رفته است.

هیئت وزیران روسیه پیشنهاد کردند که در دو منطقه طرفین هیچگونه امتیازی

باتباع دوات ثالث داده نشود و اینگونه امتیازات خواه اقتصادی یا سیاسی در ضمن عهدنامه تصریح شده باشد و راجع به ایالت سیستان ستاد ارتش روس نمیخواست که چنین معبر مناسب سرزمین هندوحت نفوذ انگلیس در آید و حال آنکه بخوبی آشکار بود که در آن گیر و دار انصراف انگلستان از تسلط بر این ایالت امکان نداشت. روسها میخواستند که در مقابل چنین گذشت گرانها مزیای متقابلی از بریتانیا بگیرند.

هیئت وزیران روس بعد از مطالعات طولانی بالاخره باین نتیجه رسید که تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ بهترین راه حل جهت تأمین سازش سیاسی با انگلیس بود و در مذاکرات بعدی روسها مکرر به انگلیسها خاطر نشان کردند که متقابلاً امتیازاتی در قسمت لنگه های داره ایل خواستارند و انگلیس در این مورد تمام را بوعده گذراند چون مایل نبود در قرارداد هیچگونه اشاره نسبت باین قضیه شده باشد و به عذر اینکه چنین عملی سوء ظن آلمانها را تقویت خواهد کرد پیشنهاد کردند که موضوع لنگه ها بآینده موکول شود و روسها بالاخره با این پیشنهاد موافقت نمودند که موجب خوشوقتی زیاد وزارت خارجه انگلیس شد.

در همین ایام بود که گزارش مخالفت آمیز سراسپرینگ رایش از سفارت تهران بوزارت خارجه انگلستان رسید مبنی بر اینکه چرا عقیده او را در باب این قرارداد استفسار نکرده بودند و صریحاً در این گزارش اظهار نمود که انتشار چنین قراردادی چه تأثیر ناگوار در افکار عمومی ایرانیان میگرد و لی وزارت خارجه انگلیس چنانکه دیدیم توجهی به نظریات این وزیر مختار خود نداشت و هنوز پاسخ وزارت خارجه بوزیر مختار انگلیس در تهران نرسیده بود که کار امضای قرار داد ۱۹۰۷ تقریباً پایان یافت.

در ماه آوریل ۱۹۰۷ طرفین خیال کرده بودند که درباره ایران از هر جهت موافقت حاصل شده که ناگهان انگلیس مطلب تازه پیش آورد یعنی تقاضا کرد حد شرقی منطقه روس در نقطه ذوالفقار قرار گیرد و بدین وسیله از ارتباط روس با مرز افغانستان حتی الامکان احتراز شده باشد و چون روسها تصمیم نهائی بسازش با انگلیس گرفته

بودند و هم از لحاظ داخلی و یا بدلیل سیاست خارجی مصلحت کار را در این دانسته بودند و پیشنهاد مزبور موافقت نمودند و حال آنکه بعداً پیشنهاد مربوط به گنجاندن جمله (باحتفظ وضع موجود در خلیج فارس) بطوریکه ذکر شد جداً مخالفت کردند.

دولتین اول و راجع به ثبت و بعد در باره ایران و در مرحله آخر راجع به افغانستان موافقت حاصل نمودند در مورد افغانستان اختلافاتی در مراحل آخرین مذاکرات پیش آمد که باعث شد سفیر انگلیس در پترزبورگ مسافرتی به لندن بنماید در نیمه اوت ۱۹۰۷ سرارتور نیکلسن از سفر لندن برگشت و پیشنهاد جدیدی راجع به افغانستان همراه آورد بدون آنکه در این باب وزارت خارجه انگلیس نظر حکومت هند را استفسار و مراعات کرده باشد چون بعید نبود که حکومت هندوستان با تسهیل گیریهای وزارت خارجه در مورد افغانستان مخالفت کند.

اشکال دیگری که باز پیش آمد مربوط بصورت این موافقت نامه ها بود انگلیسها میل داشتند سازش طرفین بشکل يك قرارداد در آید و حال آنکه روسها بیشتر مایل بودند که فقط موافقت نامه با مضا برسد و یا بصورت اعلامیه و باب مسائل موافقت شده اکتفا بشود بالاخره نظر انگلیس پیشرفت کرد و قرارداد امضاء کردند.

آخرین طرح سه قرارداد در جلسه ۲۴ اوت ۱۹۰۷ هیئت وزیران روس که تا صبح طول کشید مورد رسیدگی قرار گرفت در این جلسه مخالفت های جدید نسبت به بعضی از مواد قرارداد ابراز و وضع بسیار دشواری ایجاد شد اشکال کار مجدداً در مورد افغانستان بود و انیزولسکی در این جلسه به اقلیت افتاد و سفیر انگلیس گزارش تلگرافی یاس آمیزی در ۲۵ اوت به لندن فرستاد. سرادوار دیگری از پیش آمد آن اشکال ناگهانی دچار نگرانی شد و بسفیر خود دستور داد که بوزیر خارجه روس بگوید که دولت انگلیس با هیچگونه امتیاز تازه نمیتواند موافقت کند و اگر کار قرارداد در قسمت مربوط به افغانستان دچار شکست شود در واقع اساس تمام موافقت های طرفین خراب خواهد شد و امیدواریهایی که بواسطه این موافقت اساسی برای دولتین پیدا شده بود از بین خواهد رفت و خطر و زیانش در سایر نقاط جهان دامنگیر هر دو کشور خواهد گردید.

بعد از این تهدید و اخطار ظاهراً وزیر خارجه روس فعالیت بسیار در رفع مشکلات نمود چون هیئت وزیران روسیه در جلسه ۲۸ اوت ۱۹۰۷ طرح قرار داد را تصویب کرد و سه روز بعد هم قرارداد امضاء شد.

با وجود امضای قرارداد ۱۹۰۷ باز تا جنگ بین المللی اول سیاست روس در ایران قوی تر و نفوذ آن دولت در تهران بیشتر بود و تجارت تقریباً تمام شمال ایران عملاً در دست روسها بود و بسیاری از مأمورین سیاسی انگلیس در ایران امیدی نداشتند که نفوذ فوق العاده روس در قسمت شمالی ایران دوباره نقصان یابد و حتی می پنداشتند که آن حدود از حوزه نفوذ سایر کشورها بکلی خارج شده بود و این نظریه یاس آمیز را اولین دفعه سرسپرینک رایش بدولت خود گزارش داد البته يك دليل عمده این پیشرفت روس در ایران نفوذ غیر قابل انکار او در دربار و در پادشاهان کشور ما مخصوصاً در زمان محمدعلیشاه بود و کار استیلای روسیه بجای رسیده بود که دیگر مأمورین بریتانیا اقدام مجددانه ای درباره امور شمال کشور نمی کردند و اگر هم گاهی در این مورد توجه و اقدامی مینمودند بیشتر بمنظور جلوگیری از انهدام استقلال ایران و در واقع بدین وسیله تامین منافع سیاسی و اقتصادی خودشان در جنوب بود :

دوات روس برای پیشرفت نظر امپریالیست خود حتی الامکان اعتبارات مالی کافی در اختیار نمایندگان سیاسی خود می گذاشت و غالباً از دادن قرضه بشاه ایران مضایقه نداشت این پولها را هم شاه و درباریان او زود خرج و تمام میکردند و باز دست احتیاج زمامداران بر طمع این مملکت بطرف امپراطور روس دراز میشد و بهمین علت مهم مالی قدرت روس در تهران و نفوذش در دربار ایران بقدری زیاد شد که خالی از خطر عاجل نبود.

تأثیرات انتشار متن قرارداد ۱۹۰۷

اگر امضای چنین قرارداد مهمی سروصدای زیاد در خارج تولید نکرد و چنانکه در خور اهمیت آن بود موجب انتقاد و اعتراض شدید در سایر کشورها نشد بعقیده یکی از نویسندگان معاصر (۱) این بود که اولامنافع بازرگانی کشورهای دیگر در ایران چندان مهم بشمار نمیرفت و از لحاظ نظامی هم کشور ما فقط برای روس و انگلیس که طرفین معاهده بودند اهمیت حیاتی داشت و از طرف دیگر چون بواسطه بیحالی پادشاهان و اهمال و خود پرستی سیاستمداران بی نظمی و هرج و مرج در این کشور بعدی رسیده بود که احتمال خطر نسبت به جان و مال اروپائیان در میان بود از این رو در بعضی از کشورهای خارجی حضور نیروی اجنبی را در ایران وسیله تأمین مطلوب محسوب میداشتند.

باری خبر مهم امضای قرارداد بزودی فاش شد. در چند ماه پیش از وقوع این قضیه تاریخی در اکثر کشورها هر روز انتظار انتشار این معاهده را داشتند و با آنکه حدسیات فراوانی درباره مواد آن در مطبوعات منتشر شده بود بعد از اعلام رسمی متن قرارداد معلوم شد که تصورات مختلف با حقیقت موضوع چندان تطبیق نمیکرد. اصولاً انگلیسها در آشکار ساختن مطالب قرارداد زیاد عجله نداشتند و میخواستند قبل از اینکه متن آن منتشر گردد بدست مقامات دولتی بریتانیا در هند و ایران و افغانستان و چین برسد و بعضی دول ذینفع دیگر نیز قبلاً اطلاع حاصل کرده باشند.

بنابراین در اول سپتامبر ۱۹۰۷ يك روز بعد از امضای قرارداد فقط اعلامیه راجع به امضای آن صادر شد. اما چون جرائد روسیه ایزولسکی را بمناسبت بی اطلاعی از تفصیل قرارداد مورد تهمت و اعتراض قرار داده بودند دولت روس به انگلیس پیشنهاد کرد که مطالب عمده آن در روزنامه محافظه کار روس نوویه ورمیا (۲) انتشار یابد. نسخه های تصویب شده قرارداد در تاریخ ۱۳ سپتامبر در پترزبورگ

بین نمایندگان طرفین مبادله و در ۲۶ سپتامبر متن آن رسماً منتشر شد .
 بعد از امضاء شدن قرار داد وزیر خارجه روس بی درنگ برای استراحت
 به مارین باد (۱) اتریش رفت و در آنجا بحضور پادشاه انگلیس رسید و بسفیر
 بریتانیا دروین که ملتزم رکاب بود در باب قرارداد اظهار داشت که چندین دفعه بکلی
 از حصول موافقت مایوس شد و از فشار واقدامات حکومت آلمان سخت در عذاب بود
 و از همکاری خود ارتور نیکلسون تمجید و ضمناً تأیید کرد که امکان نداشت از او بهتر
 سیاستمداری برای انجام آن ماموریت انتخاب شده باشد . وزیر خارجه روس بعلاوه
 میگفت که در پترزبورگ همه مرتجعین و سران نظامی مخالف با این قرارداد بودند .
 در همین موقع که پیامهای تبریک بین رجال سیاسی دو کشور بواسطه این
 موفقیت بزرگ مبادله میشد و سرادوار دگری و نیکلسن و ایزولسکی از هر جهت مورد
 ستایش و تمجید بودند گزارش یاس آمیز سرسپرینک رایی از تهران بوزیر خارجه
 انگلیس رسید در ضمن تبریک بر رئیس خود اطلاع داد که « گرفتاریهای او در تهران
 تازه شروع شده است چون ایرانیان بعد از امضای قرار داد دیگر آن اعتقاد و اعتماد
 سابق را نسبت به انگلیس ندارند و معتقدند که انگلیس ایران را بروس فروخته و به
 سیاست او تسلیم شده است » .

سرسپرینک رایی قبل از سفارت تهران کاردار سفارت کبرای انگلیس در
 پترزبورگ بود و بعد از عزیمت سرچارلز هاردنیک سفیر سابق در سال ۱۹۰۵ و تا آمدن
 سرارتور نیکلسون سفیر کبیر جدید به پترزبورگ وی متصدی امور این سفارت شد و در
 دوره تصدی او کار مذاکره موافقت سیاسی روس و انگلیس بکلی واکد ماند
 سرسپرینک رایی از پترزبورگ به تهران آمد و حضور چنین وزیر مختار با انصاف که
 شخصاً با موافقت روس و انگلیس مخالفت داشت در این موقع در تهران واقماً
 تصادف غریبی بود وی تاروز ۴ سپتامبر هم از امضاء شدن قرار داد خبری نداشت
 و قتی که موضوع را از او پرسیدند جواب داد « در هر حال صحبت تقسیم ایران در

میان نخواهد بود ۴۱

سر اسپرینک رایش که قبل از امضای قرارداد چندین دفعه ضرر و خطر این عمل را بدولت خود خاطر نشان کرده بود بعد از امضای آن نیز چندین گزارش بوزارت خارجه انگلیس فرستاد و تأیید نمود که پیشگویی‌های او صحت داشته و از جهات دیگر هم اخطارهای او تأکید گردیده است چون چراغ‌های ایران و مخصوصاً روزنامه حبیب‌المتین چاپ کلکته در این ماجرا فقط انگلیس را هدف اعتراض و دشنام قرار دادند و بتدرت اسم روس را دیگر میگردند.

در هر حال از آن پس بریتانیا حامی ایران بشمار نمی‌رفت بلکه تمام تفرع عامه متوجه این دولت شد زیرا ایرانیها از روس چشم‌پاری نداشته‌اند و هیچوقت خیال نکرده بودند دولت قراری بسلامت و سعادت و استقلال ایران غلاقه مند باشد ولی بسیاری از ایرانیها در باره انگلیس اینطور فکر میکردند که از او متوقع کمک و حمایت بوده اند حال بحکومت (آزادخواه) بریتانیا بوسیله سازش با روس آزادی و استقلال ایران را در معرض بدترین خطر نهادند.

در پیکی از گزارشهای خود سر اسپرینک رایش بدولت خود خبر داد که چندتن از ایرانیان باو گفته بودند اگر انگلیس و روس با همکاری ایران سایر دول را هم دعوت میکردند که متفقاً تمامیت ارضی و استقلال ایران را تضمین نمایند مخالفت با این قرارداد بمراتب کمتر می‌بود و آنها بیشتر میتوانند بحسن نیت دولت انگلیس دل بسته باشند

مردم ایران میخواهند قانون بین‌الملل ضامن سرنوشت مملکت باشد نه آنکه اراده دودولت مقتدر بر آنها حکومت بکند ظاهراً وزیر مختار روس نیز با این پیشنهاد مخالفتی نداشت ولی در گوش سنگین سرادوار دگری این حرفها تأثیری نمیگرد و نتیجه آن ظلم و ضعف گشی دولت انگلیس در افکار ایرانیان این شد که همیشه چند سال بعد جنگ بین الملل اتفاق افتاد غلاقه و تمایل تمام ایرانی‌ها علناً بجانب آلمان بود.

روس و انگلیس در مدت مذاکره همواره متوجه رویه دولت آلمان و از اقدامات احتمالی این دولت نگران بودند البته حکومت آلمان از جریان و موضوع مذاکرات اطلاع داشت چون دیپلماتهای انگلیس و مخصوصاً خود ایزولسکی علاقه مند بودند که موجبات تقویت سوء ظن آلمانها فراهم نشده باشد و نمایندگان آلمان اطلاع و اطمینان میدادند که دزهر گونه قراردادی که بین روس و انگلیس امضا شود بهیچوجه موادی که مضر بحال آلمان باشد وجود نخواهد داشت این وعده ها را هم انصافاً در قرارداد ۱۹۰۷ مراعات کردند ولی آلمانها نیز متوجه مقاصد طرفین بودند و میدانستند اگر چه قرارداد مزبور بعنوان تسویه اختلافات دولتی در مسائل آسیائی بسته شد اما در واقع منظور اساسی از امضای آن تحکیم و تقویت روابط سیاسی طرفین جهت مقاصد اروپائی آنها بود. ضمناً باید اعتراف کرد که طرفین مذاکرات را بقدری ماهرانه انجام داده و مواد قرارداد را چنان تلفیق کرده بودند که هیچیک از دول و حتی حکومت آلمان هم نتوانست بآن ایرادی بگیرد.

پیش از آنکه متن قرارداد ۱۹۰۷ در روسیه منتشر گردد ایزولسکی از اعتراض و انتقاد مخالفین سخت اندیشه ناک بود و هر چند در آن موقع در روسیه افکار عمومی بنحوی که در سایر کشورهای اروپائی وجود داشت متصور نبود ولی گروهی از مترجمین و سران لشکری بهیچوجه با آن اقدام دولت موافقت نداشتند. ولی برخلاف انتظار ملوفان اعتراض از طرف مخالفین بر نخاست بلکه مطبوعات روس بالحن ملایم و مساعد درباره قرارداد قلمفرسایی کردند.

موراویو سفیر روس در رم بعد از دیدن متن قرارداد اظهار نظر نمود که تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ بر خلاف سیاست دائمی روسیه و کاری بکلی بی حاصل بود و کنت ویت (۱) سیاستمدار روس از این قرارداد انتقاد نموده و گفته بود دولت اوبجائی سیاست معاشقه با آلمان حالا با انگلیس مشغول معاشقه شده و معتقد بود که قرار داد برای روس اهمیت خاصی نداشته و اثراتش بیشتر منوط باتفاقات

آینده بوده است .

راجع به قراز داد ۱۹۰۷ در جلسه ۲۷ فوریه ۱۹۰۸ دوما ای امپراطوری صحبت شد و در این جلسه ایزولسکی اظهارات مفصلی در خصوص سیاست خارجی خود نمود و انعقاد قرارداد رایك کاربرجسته بشمار آورد و تاکید کرد که امضای این معاهده و همچنین امضای موافقت نامه تابستان ۱۹۰۷ روس و ژاپون وسیله تامین بقای صلح عمومی خواهد شد ولی بعد از آن مورد دیگر در باب این قرارداد در مجلس دوما مذاکره بمیان نیامد .

موضوع قرارداد مزبور در جلسه ۱۷ فوریه ۱۹۰۸ مجلس مبعوثان انگلیس مطرح و مذاکره و مشاجره شدید بین دولت و نمایندگان حزب مخالف واقع شد مجلس لردها هم قبلا در این باب بحث کرده بود .

در جلسه ۶ فوریه ۱۹۰۸ مجلس اعیان لرد کرزن در نطق مفصلی که بیش از یک ساعت بطول انجامید به سیاست موافقت روس و انگلیس اعتراض کرد . مخالفین دولت غالباً کسانی بودند که سفری بایران آمده بودند و بدین جهت در کار مخالفت مقام ودیله برای خود قائل بودند و بنابراین از ایران بیچاره ظاهر را حمایت می نمودند .

باری جلسه مذاکرات مجلس لردها درباره قرارداد ۱۹۰۷ خیلی طولانی شد ولرد کرو (۱) نماینده دولت بشدت از قرارداد دفاع و اظهار کرد تجارت روس بناحیه مرکزی ایران رفته رفته کاملاً نفوذ میکرد و امکان نداشت بی وجود قرارداد از پیشرفت آن جلوگیری کرد و روسها حتی بی جنوب ایران هم نفوذ میکردند . او گفت لرد کرزن از پیشرفت فعلی نفوذ روسیه در ایران اطلاع ندارد و اوضاع ایران در موقع امضای قرار داد بالیرانی که لرد کرزن دیده بود خیلی تفاوت دارد . بعلاوه ممکن نبود دولت انگلیس بتواند منطقه روس را محدودتر کرده باشد و نقاطی مانند یزد هم ارزش آنرا ندارد که حضرت لرد درباره اش اشک حسرت بریزند . در طی این مذاکرات مجلس اعیان کسی بالرد کرزن هم آهنگی و مساعدت نکرد و موقعیکه نماینده دولت مشغول دفاع از قرارداد بود کرزن چندبار کلام او را قطع و اعتراض کرد ولی موجب ریشخند از

طرف سایرین شد و کرزن ناچار سکوت اختیار نمود زیرا به انتقاد آتش ترتیب‌آوری نداده بودند ولی با آنکه مجلس اعیان با وجود اصرار کرزن قرار داد ۱۹۰۷ را کانت لم یکن نکرد این پیش آمد اثر برجسته دیگری داشت و آن بازگشت لرد کرزن بزندانگانی سیاسی بود.

حال باید دید که از دولتین کدام يك واقعا از قرارداد ۱۹۰۷ راجع بایران نصیب بهتری برگرفتند. در همان موقع انعقاد این قرارداد نظر عمومی تقریباً این بود که سهم غالب نصیب روس شد در صورتیکه قاعده نباید اینطور شده باشد چون روس در جنگ با ژاپون شکست خورده و ضعیف شده بود و بعلاوه بیم انقلاب داخلی روسیه در پیش بود و بنابراین آن قدرت و غرور سابق را دولت تزاری نداشت پس چگونه توانست سهم بهتر و بیشتری از قرارداد دریافت کرده باشد.

ظاهراً علت این استنباط عمومی این بود که در موقع انتشار متن قرار داد نویسندگان سیاسی انگلیس شرط احتیاط و نزاکت را رعایت نموده تفاخر و تظاهری که موجب تحریک رقیب شده باشد ننموده بودند بلکه ادعای غبن نیز در بعض نوشته‌های آنها مشهود بود. و همین رویه موجب اشتباه دیگران و سبب شده بود که آیندگان گمان کنند که قرارداد بیشتر بنفع روس شد بعلاوه مساحت منطقه نفوذ انگلیس در جنوب از حال روس در شمال خیلی کمتر و هیچ از لحاظ اقتصادی جالب توجه نبود ولی در برابر این قضاوت ظاهری انگلیسها معتقد بودند که اگر بوسیله قرارداد منطقه روس را با وجود آن وسعت زیاد محدود نمیکردند بعید نبود که دیر یا زود نفوذ روسیه نقاط دیگری را در ایران فرا بگیرد و بعلاوه روس رسماً تعهد کرده بود بناحیه بیطرف و منطقه انگلیس تجاوزی نکند.

در باره سر نوشت جنوب ایران پیش از سایر مسائل بین طرفین موافقت حاصل شد چون رابطه تام انگلیس با این قسمت بود و بنظر لرد کیتچنر (۱) فرمانده کل قوای هند اقدامات دفاعی در سیستان و بلوچستان و کرمان امنیت هند را تضمین

میگرد و در جناح افغانستان ایران نیز وسیله دفاعی مستحکم در برابر تهاجم روسی میشود.

مطلب مهم اینست که با امضای قرارداد ۱۹۰۷ کمترین امتیازی در خلیج فارس نصیب روس نشد و این بزرگترین موفقیت سیاسی انگلیس بود. کشتیهای تجاری روس که از بنادر دریای سیاه به خلیج فارس رفت و آمد میکردند هم مجبور بودند راه دوری پیمایند و متحمل ضرر بشوند و هم اینکه در حین عبور و مرور از تنگه های داردانل آزادی عمل کامل نداشتند و برای رفع این ضرر و اشکال بهترین راه حل این بود که روسها بندری در کنار خلیج فارس داشته باشند.

بعلاوه راه دریای شمال نیز برای تجارت روس دو تمام مدت سال باز نبود و بهر اسود هم که دریای میبد و محسوب میشد چون تنگه ها در تحت نظارت سایر دول بود و بهین لحاظ چندین دفعه چه از طرف لرد نشد و چه بوسیله سراهوار دیگری بر روسها وعده داده شده بود که موضوع بندر در خلیج فارس را مورد توجه قرار بدهند و بالاخره هم انگلیس این خواهش بزرگ را از روس دریغ کرد و تعجب در اینست که روسها نیز موضوع را تعقیب نکردند و سرانجام تمام حدود خلیج فارس عملاً بنفوذ انگلیس واگذار شد و بلکه بواسطه یادداشت جداگانه که روس امضاء و به انگلیس تسلیم کرد حق اختصاصی بریتانیا را در خلیج فارس شناخت و بدین ترتیب وضع انگلیستان در خلیج بدون آنکه امتیاز متقابلی بر روس داده شده باشد به مراتب بهتر و مستحکمتر گردید.

مستر بالفور (۱) که بعداً نخست وزیر انگلیس شد در موقع امضای قرارداد بهر حزب مخالف (مخالفه کار) و معتقد بود که در قرارداد بذل و بخشش زیاد بر روس شده بود باین انتقاد سراد وارد گری بدون کمترین توجه به حال کشور ما جواب داد :

« روی کاغذ استفاده ظرفین متساوی است ولی در واقع ماجیزی از دست نداده ایم
 ما در ایران دنبال سیاست تجاوز نبودیم و پیشرفت انگلیس در ایران برای روس همان قدر
 مهم نبود گنگه پیشروی روس در ایران از لحاظ امنیت هند اهمیت داشت و جای تعجب
 نیست که وزیر خارجه روسیه جهت اقناع سران لشکری کشور خود برای انصراف از
 بعضی نقاطی که در نظر آنها بسیار گرانبها بود آن همه بزحمت افتاد و حال آنکه آنچه
 ما از دست دادیم برای ما اهمیتی و بلکه اصلاً ارزشی نداشت »

در هر صورت دیری نگذشت که روسها در ایران میدان را بر انگلیس تنگ و
 کار او را بکلی تنگ کردند چنانکه سراد وارد گری در این بیان صریحاً اعتراف
 می کند :

« قضیه ایران بیش از هر موضوعی کاسه صبر مرا لبریز کرد و به بنکن دورف (۱)
 گفتم اگر روسیه باز مشکلات سیاسی ما را بیشتر کند موافقت سیاسی با او شاید غیر مقدور
 خواهد بود . »

خلاصه اینکه در اوایل این قرن دو جنگ مهم یکی در آسیا و دیگری
 در اروپا اتفاق افتاد که تأثیر عظیم در سرنوشت بسیاری از کشورهای آسیا و از جمله
 مملکت ما داشت اگر در سال ۱۹۰۵ در جنگ روسیه و ژاپون روس شکست
 نمیخورد و بر اثر آن ضعیف نشده بود و یا خدای نخواستہ دولت تزاری در
 این جنگ فتح میکرد احتمال قوی در میان بود که استقلال ایران دچار خطر بشود
 و روس برای دسترسی بدریای جنوب که پیوسته مقصود او بود کشور ما را اشغال نماید
 نتیجه آن جنگ هر چند خطر تصرف ایران را بوسیله قوای روس مرتفع ساخت بدبختانه
 خطر دیگری را دامنگیر کشور ما کرد و آن رضایت و تسلیم روس ب سیاست انگلیس
 دوباره تعیین منطقه نفوذ در ایران بود .

بحمدالله روسیه بزودی درگیرودار جنگ دیگری در اروپا گرفتار شد و در سال ۱۹۱۷ باز شکست خورد و از این شکست او نجات ایران حاصل آمد و بواسطه ظهور انقلاب در روسیه عملاً تمام قراردادهای ظالمانه روس با ایران و از آن جمله قراردادشوم ۱۹۰۷ نیز خوشبختانه باطل و نابود شد .



مقدمه مطبوعات اروپائی

درباره قرارداد ۱۹۰۷

درباب قرارداد روس و انگلیس راجع به تعیین منطقه نفوذ دولتین در ایران چنانکه یکی از رجال ایران در همان موقع اظهار داشته بود مطبوعات دو کشور مزبور یکدیگر تبریک و تهنیت گفته و نوشته بودند که بهتر از این لقمه خداداد هیچوقت به گلوی هیچیک از دول سر ایزر نشده بوده است دولتین سرزمین ایران را بدون اینکه صدا از کسی بیرون آمده باشد در نهایت آسانی و بدون جنگ و جدال فیما بین خود تقسیم کردند روزنامه روسی « نویه ورمیا » چاپ پترزبورخ نوشته بود تا بحال در تاریخ سابقه ندارد که يك مملکت آزادی را مانند ایران دو دولت بین خود تقسیم نموده باشند و امروز این موضوع واقعیت پیدا کرده است .

همین روزنامه در شماره ۲۷ دسامبر ۱۹۰۷ شرح خشم آمیزی نوشته مشعر بر اینکه بصداقت و دوستی روس شك میبرند و دینلماسی انگلیس فقط در صدد بوده است که خاطر نشان نماید نه مشروطه طلبان و نه مستبدین ایران باید منتظر باشند که انگلیس و روس طرف یکی از آنها را بگیرد بعضی ها در ایران بروسیه امیدوار بودند لیکن بواسطه اظهاراتیکه روس و انگلیس بالاتفاق بشاه نمودند این امیدها از میان رفته و اظهارات نیم رسمی که از طرف دولت انگلیس شده این امید را بکلی از بین برده است . روزنامه مزبور باز مقاله ای تحت عنوان « بریتانیای کبیر و آلمان » نوشته و گفته بود : قرارداد ۱۹۰۷ ممکن است هم موجب صلح باشد هم باعث جنگ و کدام يك خواهد بود بسته برویه سایر دول و خود ماست زیرا بواسطه دوستی با انگلیس ما دلی را که تا بحال با اود دشمن بودند با خود مخالف میکنیم و دلی را که با او دوست بودند با خود دوست مینماییم .

روزنامه « روس » نوشته بود این قرارداد معاهده ای که شامل معاملات باشد نیست و رد و بدل تعارفات است که مقدمه بسط روابط جدید است در آینده روسیه از

دسترسی بدریای هند قطعاً صرف نظر نموده و آیا جهت ندارد که شخص منتظر باشد در قرارداد آینده که با انگلیس بسته خواهد شد این فداکاری که از طرف روس شده است در شرق نزدیک جبران شود. روزنامه «تواریش» که از روزنامه های رادیکال روسیه بود نوشته بود: شاید روس راضی باشد از اینکه ضربات این مختصری باو رسیده است پنج سال قبل که دولت روسیه خیال تصرف هندوستان را داشت و یا حاضر بود اولین وسیله مناسبی بدست آورده انگلیس را تهدید نماید چنین قراردادی را امضاء نمیکرد.

روزنامه «بورس گازت» نوشته بود شکل این قرارداد بی سابقه است و جای تعجب نخواهد بود هرگاه ایران که بدون اطلاع او اینکار شده است اظهار عدم رضایت بنماید خطر عمده بواسطه اینست که در اروپا دولت ثالثی هست که در مواقع معین ممکن است تمایل شود که سوء ظن ایران را زیاد کند دیپلماسی روس و انگلیس باید سعی نماید که بوسیله اقدامات و نه فقط با اظهارات ایران را مطمئن سازد از اینکه طرفین مقاصد شوم ندارند و در خیال تزویج بر ضد استقلال و تمامیت ایران نیستند.

روزنامه «کلن گازت» آلمانی در باب قرار داد روس و انگلیس نوشته بود که انگلیس و روس البته میتوانند تعیین خودشان هر قراردادی که میخواهند بدهند ولی قرارداد نمیتواند سایر ممالک را از ایران مستقل برکنار دارد دولتین میگویند که ایران باید برای تجارت همه ملل مفتوح باشد منظور سیاست ما در ایران فقط اقتصادی است و برای پیشرفت تجارت و صنایع خود ما هم در آن میدان آزادی میخواهیم حال که روس و انگلیس برای خود منطقه منافع و نفوذ تعیین نموده اند سایر ملل هم آزاد خواهند بود دیگر بسته به قابلیت و لیاقت خودمان است.

مرحوم پرفسور ادوارد برون که همواره از راه نطق و بیان و بوسیله نوشته های پر احساسات خود از ایران و ایرانیان حمایت میکرد درباره قرارداد روس و انگلیس راجع به ایران انتقاد سختی در «آلبانی رویو» نوشته و گفته بود که ایرانیان انگلستان را حامی آزادی می شمردند و بسبب این قرارداد حالا از آن عقیده برگشته اند بجهت اینکه انگلیس بهترین نقاط ایران را بنفوذ روس وا گذاشت که بالاخره استبداد روس در آنجا رواج خواهد یافت و از این اقدام دولت انگلیس بخود او هم از قصد انگلستان سوء

ظن هائی دست داده بود . روزنامه مزبور نوشته بود ما هیچوقت طرفدار این قرارداد نبودیم و هرچه در این قرار زیادتر تأمل بشود بیشتر برد روسیه ظاهر میشود چنانکه عقیده ایراد کنندگان نیز همین است و قید حفظ استقلال و تمامیت ایران را هم که در مقدمه قرارداد ذکر شده حیل و تزویر می‌شمارند زیرا که در خود قرارداد در واقع ایران تقسیم شده پس در اینصورت این سؤال پیش می‌آید که بچه منطبق انگلیس چنین قراردادی را با روس بسته اگر مقصود انگلیس استقرار نفوذ خود در حدود بین کرمان و بلوچستان بود که بدون این قرارداد هم با اندک توجهی از قبیل اعانت تجاری یا تعمیر راهها همان منظور ممکن بود حاصل گردد و اگر گفته شود که روس نهایت نفوذ را در شمال ایران داشت لذا فایده در مخالفت با روس در شمال نبود جواب می‌گوییم راست است ولی این موافق عقل بود که مابین مشرق اعلان کنیم که بازی را در شمال ایران باختیم و روس خود را بدینا غالب نشان بدهد و این قرارداد لطمه را که بنام روس در ایران بعد از جنگ با ژاپون وارد شده بود جبران کرد و در عوض نام انگلیس پست شد فصول راجع به افغانستان و تبت نیز حال همین فصل مربوط به ایران را دارد و هیچ منفی از آنها عاید انگلستان نخواهد شد پس با این اوضاع چرادر دولت انگلیس چنین قراردادی را بسته است .

روزنامه « مرینک پست » چاپ لندن نوشته بود شاید در نظر و خیال دولت انگلیس مسئله دیگری هست که مهم تر از منافع در ایران و وضع آزادیخواهان باشد و همچواستنباط میشود که قصد عمده کنونی ما خلاصی از منازعه در سرحدات با روس است اگرچه با ضرر زیاد هم باشد تا در مشکلات مهمتر با آسودگی لازم رسیدگی و معامله بشود لهذا کار عاقلانه بود که رفع هر گونه اختلاف با روسیه شده باشد بلی اگر فقط مسئله آسیا را ملاحظه کنیم این ایرادات صحیح بنظر می‌آید اما همینکه مسائل بین دول مخصوصاً دوسه ماه را رویهمرفته ملاحظه نمایم میبینیم که این ایرادات چندان مورد ندارد چنانکه از بستن این قرارداد روابط انگلیس با آلمان تغییر یافته و بهتر شده و آنست وضع دوسه ماه قبل ازین رفته است .

منجمله ماهیانه « برود آرو » از افعال کاری انگلیس در خلیج فارس شکایت نموده

و عینکه بود که قرارداد روس و انگلیس به تمام آسیا معلوم نمود که انگلستان دیگر
 هیچگونه منافع در ایران ندارد و عین واسطه از نفوذ انگلستان کاسته شد سرادوار دگری
 بواسطه فشار اوجاع بین المللی مجبور باین کار شد ولی این از بی همتی خودمان است
 نه تقصیر دیپلماسی او . روس از طرف بحر خزر پیشرفت نموده زیرا که اساس محکمی
 برای تجارت خود گذاشته است ولی ما نتوانسته ایم مقام خود را در طرف هندوستان
 حفظ نمایم مگر فقط بواسطه بنای سد خیالی عمده ادعای صحیح ما باینکه باید
 ملاحظه ما را بکنند اینست که خلیج فارس را ما منظم نموده ایم و دزدان دریائی را
 ما از آنجا بیرون کرده ایم ولی این کافی نیست زیرا که این نوع خدمت بعالَم همه در
 دیپلماسی محاسب نمیشود و عینکه قرارداد روس و انگلیس اعلام شد عقیده مردم بر این
 بود که تنزل منافع انگلستان در ایران اسباب اشکال مذاکرات سرادوار دگری شد ولی
 در خلیج فارس ما در مقام ایجاد منافع تجاری هیچ زحمت نکشیده ایم این پالیسیک
 نمیتواند بیش از این دوام یابد و باید يك لیره خودمان را ده لیره بکنیم و یا اینکه
 دیگری که قادر باین کار است ما را از آن محروم خواهد کرد .

اقتصادیات آلمان در آسیای صغیر و اقدامات روس در ایران ، تمهید راه آهن
 بغداد و آباد نمودن آسیای وسطی تمام اینها انگلیس را مایه عبرت است که باید بیدار
 شود واقعه ای که اخیراً بین ما و آلمان در جزیره ابوموسی روی داده یادآوری مجدد
 از خطراتی است که در پیش داریم و اینهم بواسطه مستحکم نمودن مقام خودمان است
 در خلیج فارس .

حفظ حدود هندوستان فقط کار دیپلماسی و نظامی نیست و بسته است با اقدامات
 اقتصادی ، آلمانها این مطلب را بسیار خوب میدانند و بی سرو صدا مشغول ایجاد منافع
 تجاری هستند مدعی اینکه بهانه ای برای اقدامات سیاسی داشته باشند همانطوریکه در
 مراکش هم رفتار کردند .

روزنامه «ویلی نیوز» چاپ لندن نوشته بود : کسانی که مخالف قرارداد بودند
 این عمل را گناهی نسبت بعالَم آزادی میشمرند ولی ممکن است که این قرارداد
 بدتر از گناه یعنی خطائی محض باشد اساس این قرارداد وقتی گذاشته شد که روس دولت

بزرگی بود و ژاپون ما را از حمله روس ایمن نکرده بود و ایران طعمه خوبی بنظر میآمد که منتظر درنده بود و نفوذ ما در ایران در موقع جنگ ترانسوال تقریباً از میان رفته بود و تعرفه گمرکی جدید ایران که کاملاً بنفع روسیه بود تجارت ما را از بین برد در چنین وقتی امضای قرارداد با روس سیاست عاقلانه بود و بدین ترتیب ممکن بود هند را از حمله روس محفوظ بداریم و قسمتی از تجارت خود را در ایران برای خودمان نگاهداریم ولی از آنوقت تا حال اوضاع شرق میانه بکلی تغییر یافته و بواسطه شکستی که بر روس رسید هیچ درقوه ندارد که با انگلستان و ژاپون مقابله کند و از همه مهمتر تغییری است که در ایران روی داده سه سال قبل ایران عبارت بود از شاهي و درباری و وزرای رشوه خوار تجارت و مملکت همه آماده تصرف و درملت ایران آناری از زندگی و بهبودی نبود امروز ایران بیدار شده هوش ملی و عشق استقلال بسرش برگشته و بانهایت جد و جهد و شور و فکر اصلاح کار خود از روی اساس پارلمانی افتاده با این وصف تمام اوضاع دگرگون شده است.

سه سال قبل انگلیس در مواقع دشواری در ایران فقط ملتجی برای و میل روس میتوانست بشود اما امروز نکته در اینست که بچه نحو باید جلب اعتماد خود ایرانیان را بکنیم و در همین شماره عقیده يك شخص محترم ایرانی را درباره قرارداد چاپ کردیم از خواندن آن شرح معلوم میشود که از حیث شهرت و نفوذ و تجارت خبط بزرگی کرده ایم ما مقام خودمان را در افغانستان و تبت که هیچ محل خطر نبود بواسطه این قرارداد ایمن ساختیم ولی در عوض قسمت بزرگ ایران را بدایره نفوذ روس گذاشته ایم در اینصورت جای تعجب نیست که مستر لینچ (۱) اینهمه داد و فریاد بر پا سازد. شمال ایران نه فقط از لحاظ تجارت و جمعیت بر سایر نقاط مزیت دارد بلکه اهالی آنجا مردمان خیلی مطیع و بصیر اند و شمال جایی است که ماده اصلاح از آنجا پیدا شده است.

بلی ما میدانیم که در قرارداد استقلال و سلامت ایران شرط شده است و تجارت برای تمام ملل متساویاً منظور گردیده بعبارت اخیری تمام عبارات معصومانه که در قرارداد های تونس، منچوری و مصر بقلم آمده در این قرارداد هم درج شده است ولی

با وسایل علمی جدید نفوذ کردن با آرامی که روس خود در آن ماهر است دادن این حقوق بروسیه مثل دادن کلیه چیزهاست راه و راه آهن را تردیدی نیست باید قزاق روس حفظ نماید بانکی که سرمایه اش دولتی است شرایط لازم را در استقراض میگذارد و زبری که بارشوه امتیاز میدهد برشوه خیلی چیزها میتواند بدهد روزی میآید که تنزیل پس میافتد یا رعیتی از روس کشته میشود آنوقت خود جاکنی و نفوذ تبدیل بتصرف موقتی میشود راست است که همه این چیزها قبل ازین نیز متصور بود ولی تفاوتی که فعلا هست اینست که ما متعهد شده ایم بممانعت یا کار شکنی در پیشرفت دزدکی روس در ایران نکنیم .

ایرانیها که عقایدشانرا امروز درج کردیم در نهایت تلخی ولی با قوت قلب در برابر این خطر بزرگ خود را نگاه داشته اند و گمان میکنند وطن پرستی ایران بقدر کافی محکم است که با این قبیل تجاوزات میتواند برابری بکند بلی در سورتیکه استقلال ایران در قرارداد تسجیل شده ایران حق دارد نه بما امتیاز بدهد و نه بروس این عقیده خوبی است کاش ما هم میتوانستیم با این عقیده شریک شویم .

ملت ضعیفیکه و تنها وقتی میتواند حقوق خود را حفظ کند که بتواند در مقابل قزاق روس مقاومت نماید هر عبارتی که محض پنهان کردن تقسیم ایران از قبیل تقسیم منطقه تجاری و غیره بکار برند عقیده ما بر اینست که کار استقلال ایران ساخته شده و هر قدر کم از ایران باخبر باشیم باز اینقدر از این جنبش اطلاع داریم که میدانیم در این نهضت اصلاح طلبانه روسیه مستبد طبق سیاست خود عمل کرده است زیرا روس هر وقت دولت پوسیده را می بیند که میخواهد تجدید حیات کند سر آن دولت را میکوبد و با همه احتجاجات « روزنامه تایمز » باز امیدواریم وزرای آزاد بخشوات انگلستان خود را از چنین گناه عظیمی کنار بکشند .

هیچ معنی برای این قرارداد نمی توانستیم تصور کنیم هرگاه وزیر خارجه نمیکفت که مقصود عمده از کنار آمدن با روس اینست که او را دوباره در مجمع اروپائی در جای خود قرار دهیم که بواسطه ایجاد اتحاد روس و انگلیس و فرانسه تعادل در قوای دول پیدا شده باشد .

حال میزان قوه دول را بواسطه برانداختن استقلال ایران متعادل کردند ولی گمان نداریم که با وجود اینکار تعادل واقعی حاصل شده باشد و خیلی محتمل است نفوذی را که انگلیس در ایران از دست داده آلمان تصاحب نماید.

روزنامه «تایمز» نوشته بود پارلمان ایران جاهل است و تاکنون لیاقتی در اجرای قوانین و انتظامات نشان نداده و از اصلاح مالیات عاجز مانده اند شاه نیز هر قدر که می تواند پول در راه تفرقه و فساد اصلاح خواهان صرف میکند و مفتنین هم مداخله دول خارجه را کمک خیالات خود برای دفع اصلاح طلبان میدادند و حالا که بعضی مجتهدین نیز با آنها همدست شده اند ممکن است اسباب خطر جهت عیسویان فراهم شود و تقصیر را بگردن اصلاح خواهان بگذارند و سیاست را بمیان بکشند و تولید خطر ممکن است بشود بنابراین امضای این قرارداد خیلی موجب خوشوقتی است ولی انگلیسهای مربوط با شرق برضه این قرارداد هستند.

باری از مراجعه بجرائد آن روز روسیه و انگلستان معلوم میشود که صرفه در این کار سیاسی با انگلیسها بوده است و روزنامه های انگلیسی از امضا شدن قرارداد ۱۹۰۷ خیلی اظهار مسرت و شادمانی کردند و برعکس روسها آنقدرها سرور و خوشحالی نداشتند چنانکه روزنامه تایمز در سرمقاله ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷ نوشته بود: عهدنامه بین دولتین انگلیس و روس موجب رضایت عامه انگلستان منصف گردیده زیرا که این عهدنامه اسباب اطمینان و استحکام حقوق فعلی انگلیس در ممالک ایران و افغانستان و تثبیت گشته و دولت روس آن حقوق را رسماً خواهد شناخت.

روزنامه «دیلی کرونیکل» چاپ لندن نوشته بود: عهدنامه بین دولت انگلیس و روس دلیل بر کفایت و لیاقت وزیر خارجه انگلیس میباشد (۱) زیر در این مورد

(۱) هر چند سرادارد گری بانی قرارداد ۱۹۰۷ بود ولی سرارتور بیگلن سفیر انگلیس در دربار تزار معیار ماهر این بنای سیاسی بشمار میرود وی بواسطه بردباری و مهارت و استادی که در کار مذاکرات مربوط به انعقاد قرارداد مزبور نشان داد بمذاکره امضای آن بدریافت تقدیرنامه از پادشاه انگلستان نائل آمد و ادوارد هفتم او را مانند برآورنده ترین دیپلمات دولت خود مورد تحسین و خدماتش را مورد تقدیر قرارداد (مولف)

دولت انگلیس در واقع چیزی از دست نداده از بزرگترین منافع و فوایدی که برده
 رهایی و آسودگی از خیالات و تزلزل از حمله و احاطه روس در هندوستان میباشد.
 روزنامه «استاندارد» نوشته بود که «با نهایت رضامندی سراد و اردگیری وزیر خارجه
 و موری وزیر هندوستان را از حسن کفایت و منتهای بصیرت در دیپلماسی تبریک
 میگویم چه اکثر اهالی انگلستان شادمان و مسرورند که بالاخره قراردادی فیما بین
 روس و انگلیس بسته شد و از این قرارداد وضع حکومت هندوستان بدون شبهه بیش
 از پیش محکم و متقن گردید.

روزنامه تایمز در شماره دیگر خود مینویسد که این مسئله دیگر برای
 انگلستان خالی از اهمیت نیست که دولت روس بواسطه این قرارداد متعهد است
 مداخله در امور آن نواحی و قطعاتی که از ایران که ممکن بود طریق مسافرت و
 راه دخول به هندوستان محسوب شوند ننماید بلکه آن دولت معظم اولویت حق و پیشقدمی
 دولت انگلیس را در آن قطعات بعهده شناخته است دولت انگلیس در عوض در
 قطعات دور دست ایران که نزدیک به حدود هند نیستند بجهت دولتهای حقوق و نفوذ
 «متناهی» منظور داشته است.

دیگر آنکه وضع و نفوذ انگلیس در خلیج فارس بسبب اینکه بندر عباس در
 این عهدنامه جزو دایره نفوذ انگلیس محسوب و منظور گردیده مطمئن تر و محکمتر
 از سابق گردیده است.

اما در خصوص افغانستان دولت روس بوسیله تعهدات «جدانه» همه قسم اطمینان
 داده که در خاک هندوستان نه بوسیله نفوذ و دخول بطور صالح و مسالمت دست تجاوز
 و تخطی دراز نماید خود این مسئله مخالفت و مخالفت واقعی یا موهومی که در
 پنجاه سال اخیر بین این دو دولت بوده و هر روز صالح و امنیت عالم را در خطر و متزلزل
 داشته «مرتفع» میسازد.

روزنامه هاتن چاپ پاریس در شماره ۳ سپتامبر ۱۹۰۷ خود نوشته بود: «اهتمامات
 دولت فرانسه در مجامع علمی لندن مذاکره از قرارداد روس و انگلیس و اهمیت این
 حسن اتحاد و دوام آنست این اتحاد علاوه بر اینکه موجب رفع و سلب عدم اعتمادی

است که دولتين روس و انگليس تاکنون نسبت بهم داشته اند خوشبختانه نتيجه منطقي ديکري دارد و آن اتفاق واقعي و قلبي مابين دوست فرانسه و دولت متحده او يعني روس و دولت انگليس است و بلاشك در اين مملکت پيشرفت پاتريك عاقلانه که اعلیحضرت اداورد پيشنهاد فرمودند مشاهده خواهد شد و اميد است که اين آلت ديپلوماتيکي يعني قرارداد مذکور سبب ختم کينه و حسد بين العالمی دولتين روس و انگليس گردد....

و در باب ايران که حال کنونيش بجای نازکی رسیده اين قرارداد جديد متعهد است که هيچ نفوذ خارجي در نواحی جنوب شرقي ايران که مجاور شمال غربي هندوستان است برقرار نگردد و اگر اين مقصود حاصل شده باشد و دولت انگليس درخايهچ فارس محفوظ بماند سزاوار است بگوئيم که بر هيچيك از دول مساعي دولت فرانسه درباره اين اقدامات يعني اتحاد مابين دولتين روس و انگليس پوشيده نيست .

هقیقه بعضی جرائد ایرانی در آن موقع

درباره این قرار داد

روزنامه وزین جبل المتین در شماره ۳۰ رجب ۱۳۲۵ قمری در سرمقاله اساسی خود راجع به قرارداد سیاسی روس و انگلیس مربوط به ایران نوشته بود از وقتی که روس در جنگ شرق اقصی آن شکست فاحش را خورد و از طرف خاور دور یکباره نا امید و مایوس شد و ضمن العقد دانست که این نیرنگ و گرفتاری را دولت انگلیس در منجوری و چین برای او فراهم آورده و دیگر دست تنها با فقدان مالیه نمیتواند مشغول کار شود صلاح و صرفه خود را در اتحاد با انگلستان دید .

انگلیس از يك طرف جنگ اقصای شرق را برپا نمود و دولت روس را فوق العاده گرفتار و پریشان ساخت و از طرف دیگر بهر شکلی که بود خیالات اهالی روسیه را بسمت آزادی معطوف داشت و بعد از فراغت از جنگ با ژاپون دولت روس يك سره دچار انقلابات داخلی گردید و تارفت خبر دار شود انگلیس نفوذ و قدرت خود را در سرزمین ثبت استوار ساخت . ایرانیان را نیز سرگرم مسئله مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی و آزادی وغیره نمود و میدان جولان خود را از اغیار خالی ساخت و تا آنجا که میخواست مرکب را تاخت .

فرانسویها در ضمن بروس که همعهدشان بود جالی کردند که رقابت خود را با انگلیس کنار بگذارد و صلاح کارشان در دوستی با انگلستان است انگلیس هم این کار را از خدا میخواست این بود که هر دو متعایل بهم شده اول در پرده زمزمه کرده و جرائد طرفین محسنات این امر را نوشته کم کم صورت خارجی پیدا نمود تا آنکه در يك ماه قبل تگرافات خبر دادند که در شدت گرمی هوا که اغلب دوائر دولتی تعطیل و مردم در ییلاق بودند سفیر کبیر انگلیس مقیم بطرز بورك با وزیر خارجه روس در شهر متوقف و با کمال حرارت سرگرم تصفیه مواد عهدنامه هستند و جزء عمده این معاهده راجع بایران است .

و در شماره اول شعبان ۱۳۲۵ مینویسد - راستی حکایت دارد ما در خانه خود نشسته دیگران در باره خانه ما گفتگو میکنند و با هم عهد و پیمان می بندند و بخود ما هم اصلاً اطلاع نمیدهند این يك داستان غریبی است که نظیرش را کسی ندیده است تکلیف مجلسیان است که فوراً وزراء را بمجلس علنی خواسته کمیسیون بازی و مجلس سرتی را که این سه چهار ماهه برپا شده موقوف نموده علانیه مطلب را تحقیق کنند و رسماً بتمام دول اطلاع بدهند که بدون اطلاع ما هر گونه معاهده که بسته شود از درجه صحت و اعتبار ساقط و عاطل است

اگرچه عنوان ظاهری این قرار داد حفظ استقلال ایران است و بدین واسطه بعضی از وکلاء ما به اشتباه افتاده در مجلس فرموده اند که این معاهده ضرری برای ایران ندارد زیرا که مقصود اصلی این قرارداد نگاهداری ایران است لکن موشکافان رهوزبلیتیک بخوبی واقفند که در هر کجا نفوذ یکی از دول پیدا شد در تحت همین کلمات دلنشین ظاهر فریب بوده است لکن در صورتیکه این دو دولت طالب بقاء سلطنت ایران بودند دیگر معاهده لازم نبود واضح است خطری که بر ایران متوجه است از این درودات است در صورتیکه آنها طمع نداشته باشند دیگر چه احتیاج بمعاهده است؟ و باز در شماره دیگر نوشته است: تکلیف اصلی ما آنست که طوری بیدار و هوشیار شویم و بیش بندی سیل های آتیه را بنمائیم که بیداری ما طمع اجانب را یکباره از ملکمان قطع کند لازم نیست اصل خیال دولتین را ما ملتفت شویم فرض میکنیم واقعاً خیال تقسیم ملک ما را دارند بدیهی است که راه تقسیم کردن این نیست که قشون وارد کنند و بزور قوه نظامی خانه ما را تصرف نمایند بلکه کم کم چنانک میزنند بوسایط و وسائلی که نتیجه آنها تا ده بیست سال دیگر تمام شدن ما است ما هم باید در مقابل اقداماتی بکنیم که باطل السحر کارهای آنها باشد پس از امروز لازم فوری است که با تمام جد و جهد کارهای خود را اصلاح نموده راه ازدیاد نفوذ اجانب را مسدود سازیم و قسمی بیداری وزنده بودن خود را بخرج آنها بدهیم که مأیوس شده دست از سرمان بردارند .

مرحوم مؤید الاسلام در شماره ۲۸ شعبان ۱۳۲۶ حبل المتین مینویسد: سبحان الله کدام تمدن اذن میدهد که برای محافظت هندوستان انگلیس ممالکت ما را مال الهه صالحه

قرار دهد و روس را در عوض سلب نفوذش در افغانستان و تثبیت از ایالات شمالی ایران - عوض کرامت فرماید

البته حفظ سه نقطه برای انگلیس نهایت مهم و واجب ترین همه وظائف و تکالیف است اول تثبیت دوم افغانستان سوم جنوب شرقی ایران و هر وقت روس از حقوق موهومی خود در نقاط سه گانه صرف نظر کرد معلوم میشود از تسخیر هندوستان در گذشته و منصرف شده است و اینهم بالاترین آرزوی انگلیس است و بسیار از روس ممنون میشود که در چنین مقصودی با او مشارکت نماید و طمع خود را از هند سلب کند حال اروس ایران را بپذیرد یا عالم را زیر و زبر کند بگاو و گوسفند انگلیس ضرری وارد نمي آید .

انگلیس در این صورت چه مضایقه خواهد داشت که دولت شش هزار ساله باز پیچه دست يك مشت رجال دیپلمات که آکتر این تیاتر هستند واقع شود ، ملت آزادی پرست انگلستان را چه کار که این ملت نجیب تازه بیدار که بپای برهنه با هزار شوق و شعف بطرف سر منزل آزادی و استقلال میدوند اسیر چنگل مستبدان شمالی واقع شود اما باز بقول معروف دنیا خالی نیست و مردم خدا پرست نوع دوست در هر نقطه دنیا هستند که از این بی انصافی که در شرع دیپلماسی حکم جواز آن داده شده مذمت کنند و این حرکت پیرحمانه را قبیح بشمارند چنانکه روزنامه « دیلی نیوز » که در شماره نمره اول جرائد انگلیس محسوب میگردد و مسلکش طرفداری آزادی و عدالت است در خصوص این معاهده انگلیس شرحی منصفانه نوشته که نهایت اسباب امتنان ملت ایران گردید . (۱)

جبل المتین در شماره ۱۰ اکتبر ۱۹۰۷ نوشته بود « همه این کشمکش و منازعه در سرلحاف ملانصرالدین بوده است نه انگلیس از این معاهده به بطرز بورخ و سایر نقاط روسیه دست تصرف دراز خواهد کرد و نه روس از این عهدنامه مالک جز اقرا اصلی بریتانیا خواهد شد همانا اگر گذشت و بخششی از هر سمت بطرف مقابل و حریف باشد از خاک دیگران است روس جنوب شرقی ایران را با انگلیس می بخشد و انگلیس شمال و مرکز ایران را بر روس عطا و موهبت فرموده است .

پس ما باید بفکر کار خود باشیم و دو دستی با همه دقت و مواظبت کلاه خود را نگاه داریم و بهیچوجه مقید باین فصول معاهده که جملگی بر ضرر ما بسته شده نباشیم چنانکه یکی از محترم و داناترین و کلای ما در مجلس (۱) تصریح باین مسئله نمود که دولتین روس و انگلیس خود میدانند هر نوع قراری با یکدیگر بدهند منتهی نبایستی در این مورد نازک اینطور بر علیه ما معاهده بکنند لکن حال که کرده اند خود میدانند ولی ما بقدر سرسوزنی خود را بهیچ کلمه از کلمات آن مقید و پابند نمیدانیم .

و یک نفر وزیر دانشمند ایرانی در این باب چنین گفته است : « من میتوانم بشما با کمال قوت قلب اطمینان و خاطر جمعی حقیقی بدهم و شما را کاملاً مطمئن سازم که مسئولیت شما متعلق بخودتان است و احدی در یک وجب اراضی آن دست تعدی و تصرف دراز نخواهد کرد لکن بیک شرط که شما بوظائف خود عمل کنید و از جاده استقامت خارج نشوید یعنی بهانه دست طرف و شمشیر بکف دشمن ندهید و جامه خود را پاک کنید و از کازران پاک نداشته باشید اما هر گاه خودتان روش دیوانگان پیش بگیرد و میدان را برای حریف خالی نمائید البته تا آخرین نقطه امکان تعدی و تجاوز را فروگذار نخواهد کرد . »

و در شماره ۱۵ دسامبر ۱۹۰۷ زیر عنوان عهدنامه روس و انگلیس بانفس آخر ایران مینویسد :

« اول روزنامه داخلی ایران که در این موضوع خانه سوز بقدر مقدور سخنراند جبل المتین یومیه بود که در چندین شماره پی در پی آنچه میدانستیم و از پیر استاد بیاد داشتیم نوشتیم و بکارزدیم مگر حس این ملت را بیدار و خوشان را اندکی گرم سازیم و نظر سطحی شان را قدوی متوجه تعمق در مسائل پلتیکی بنمائیم لکن چون آن مقالات مشتمل بر فحش و دشنام نبود مطبوع طبع عامه نگردید و بسبب آنکه تملق و تمجید نداشت منظور نظر خواص و بزرگان نشد »

در انگلستان راجع به معاهده روس و انگلیس سه عقیده عمده وجود داشته

است اول عقیده روزنامه تایمز و طرفداران اوست که از قرارداد تمجید کرده و فوائد زیاد برای آن شمرده اند. دوم عقیده جمعی از محافظه کاران است که مقام طمع و آژشان از طبقه اول زیادتر بوده این عده در تقسیم ایران حرفی نداغتند ولی میگفتند انگلیس در این معاهده مغبون و قسمت روس زیادتر شده نقاط معمور و آباد پر جمعیت را روسیه گرفته و يك قسمت كوچك خراب را به انگلیس واگذار کردند (لرد کرزن از این دسته بود) .

دسته سوم کسانی بودند که خود را حامی نوع بشر و هواخواه آزادی و حریت مطلقه دانسته و در حفظ حقوق نوعی خیلی سعی و جهد داشته حتی الامکان در صدد خدمت به عالم انسانیت بودند این عده ابدأ این معاهده را قبول نکرده بلکه آنرا ضایع کننده حقوق بشری و ظلم واضح میدانستند و صریح میگفتند هرگز روا نبود ایرانیان تازه بیدار را گرفتار پنجه بیرحمی نموده و طعمه روس قرار دهند از جمله فاضل بصیر و فیاض خبیر ادوار برون معلم السنه شرقیه در دارالفنون کمبریج سخت بر ضد معاهده مزبور برخاسته و عالم انسانیت را رهین خدمت خورد ساخته است وی درباره این قرارداد خطاب به سیاسیون انگلستان گفته بود « از این خیانت بانسانیت قلم عفو تا ابد الابد بآنها کشیده نخواهد شد و معفو نخواهند گردید و اگر قابل عفو و غفران باشند باید قائل شد که ذنب لایغفر در عالم وجود ندارد .

از « انقلاب ایران »

پروفسور برون در کتاب « انقلاب ایران » مینویسد.

با آنکه اعضای قرارداد ۱۹۰۷ در انگلستان موفقیتی در باب سیاستمداری تلقی شده و حتی رهبر حزب مخالف نیز آنرا تأیید نموده بود از طرف سیاستمدارانی مانند لرد کرزن و آقای لینچ (۱) که با امور ایران خوب آشنا بودند سخت مورد انتقاد قرار گرفت ولی این مخالفت نمچندان از آن جهت بود که قرار داد مزبور که در سر نوشت ایران ممکن بود تأثیرات بسیار داشته باشد امضاء شد بدون اینکه با خود ایرانیان راجع بآن صحبتی بشود و یا احساسات آنان درباره تعیین منطقه نفوذ در سرزمین ایشان مورد توجه واقع شده باشد و یا بجهت آنکه اینکار اقدامی برخلاف اصول انسانیت بوده بلکه اعتراض و انتقاد این حضرات از آن بابت بود که انگلستان در تقسیم ایران نصیب وافی بدست نیاورده بود.

مستشرق ایرانی دوست من سکور قسمتی از اظهارات مستر لینچ را در اینموضوع

بشرح ذیل نقل میکند :

« امید است که این قرارداد بتواند وسیله بهبودی روابط ما با روس بشود و این دولت پی برد و ملاحظه کند که ما چه نگرانی هایی از این جهت داریم و چه اندازه باین مسئله اهمیت میدهیم ولی گمان نمیکم که بدبختانه این اقدام بهبودی چه موجب بهبود روابط ما با ایران گردد . روح ایران در جثنی که ما با روسها بافتخار این قرارداد برقرار کرده ایم حاضر است و در حالیکه این مجلس خوشی و سرور برپاست و بآنک نوشانوش بین طرفین مبادله میشود این ملت کوچک که در ایجاد ثروت معنوی و هنری جهان خدمات شایان نموده و قبل از امضای این قرارداد آینده امیدبخشی در پیش داشت

(۱) H. F. B. Lynch نماینده مجلس معبوثان انگلیس بود که پانی کشتی رانی

رودخانه کارون و تاسیسات دیگر در ایران داشت

اکنون بین زندگی و مرگ در مانده و بدون یار و یاور تقسیم شده و تقریباً بحال تجزیه بقدیم ما افتاده است.

این مطلب که قرارداد روس و انگلیس در آن قسمتی که با ایران ارتباط داشته بمنزله تقسیم آن سرزمین بیچاره تلقی شده ظاهراً قضاوتی بود که عموماً نه فقط در خود ایران بلکه در انگلستان نیز استنباط کرده بودند تصویری که در شماره ۱۲ اکتبر ۱۹۰۷ مجله پنچ (۱) منتشر شد بخوبی این نظر عمومی را نشان میداد این تصویر شیر انگلیس و خرس روس را نشان میدهد که یک گربه بیچاره ایرانی را از دو طرف گرفته اند شیر میگوید: تو میتوانی با سرش بازی کنی و من بادمش بازی خواهم کرد و هر دو هم میتوانیم دستی بپشت کوچکش بکشیم. در حالیکه گربه بد بخت ناله کنان میگوید:

« یادم نیست که شما درباره این رفتار خود از من اذنی گرفته باشید »

انگلیس بمناسبت پناه دادن چهارده پانزده هزار نفر در عمارت سفارت خود در تابستان ۱۹۰۶ و در نتیجه بواسطه اعطای مشروطیت از طرف مظفرالدین شاه محبوبیت زیاد در میان طبقه اصلاح طلب بدست آورده بود تا اینکه بر اثر شایعه مذاکرات او با روس که شامل حال ایران هم میشد این محبوبیت سریعاً رو بزوالت نهاد سوء ظن فورا همه را فرا گرفت زیرا چنانکه ایرانیان میگویند (دشمن سه نوع است، دشمنان، دشمنان دوستان و دوستان دشمنان)

روسیه که بر زمین استبدادی حدود و دشمن دیرین آزادی و نابود کننده آن همه کشورها بود که روزی آزادی داشتند در نظر مشروطه خواهان بدترین دشمن ایران بشمار میرفت و اگر انگلیس در صدد بر میآمد که با او پیمان اتحاد امضاء کند چگونه امکان داشت که باز دوست قابل اعتماد ایران باشد ؟

بدین ترتیب هر چه خبر پیشرفت مذاکرات مربوط بقرارداد بیشتر شیوع می یافت سوء ظن نیز رفته رفته زیاد تر میشد تا منجر بتولید خصومت شدید مخصوصاً در میان

آن قسمت از مردم ایران شد که امیدوار بودند انگلستان دوست مقتدر و باعلاقه‌ای نسبت
 بآنها باشد و عملاً از نهضت آزادیخواهی ایران که آنهمه مرهون نمونه و اثر آزادیخواهی
 انگلیس بود حمایت کند. (۱)



(۱) پروفسور ادوارد پروون دانشمند و مستشرق معروف انگلیسی دوستدار
 صمیمی ایران بود. در سخت‌ترین موقع تاریخ معاصر کشور مایمی در گیر و دار مذاکره
 قرارداد خطرناک ۱۹۰۷ وی چه با مقالات پرشور و چه بوسیله نطق و بیان کمک‌های
 ذی‌قیمتی در تهییج افکار هموطنان خود جهت حمایت از ایرانیان کرد.
 کتاب «تاریخ ادبی ایران» او در ردیف بهترین آثار ادبی عالم است. دو کتاب معروف
 دیگرش یکی سفرنامه او بایران بنام «یکسال در میان ایرانیان» و دیگری «انقلاب ایران»
 است که در این فصل ترجمه قسمتی از آن نقل شده است.

شورویا در باب این قرارداد چه نوشته اند؟

دی. کیسینژر دیپلماتیک چاپ مسکو که با اهتمام لژفسکی و ویشینسکی (۱) در سال ۱۹۴۸ طبع و نشر یافته شرحی در باب موافقتنامه ۳۱ اوت ۱۹۰۷ روس و انگلیس دارد که ترجمه متن آن ذیلا درج میشود:

در نتیجه بسط نیروی دریائی امپراطوری آلمان و ساختن خط آهن بغداد زمامداران انگلیس، بیش از پیش بتوسعه و تحکیم روابط میان روسیه و انگلستان آبراز علاقه نمودند لرد آلن برو در سال ۱۹۰۳ در مجلس لردها اظهار داشت: من ترجیح میدهم روسها را در قسطنطنیه مشاهده کنم تا اینکه نیروی دریائی آلمان را در کرانه های خلیج فارس مستقر ببینم. پس از اینکه در سال ۱۹۰۴ پیمان دوستی انگلیس و فرانسه با منشاء رسید سیاست خارجی انگلیس الحاق روسیه را باین پیمان نصب العین خود قرار داده بود و از طرف دیگر جنگ روسیه و ژاپن (۱۹۰۵) نقشه های وسیع تساریزم را در شرق اقصی عقیم گذاشت و از نفوذ روسیه در ایران و تبت کاسته شد و در سیاست خارجی دولت تزاری چرخ و تبدیلی بعمل آمد نخستین قدمی که در مرحله جدید سیاست خارجی برداشته شد این بود که ایزولنسکی بجای لاس دوف به سمت وزیر امور خارجه تعیین شد. ایزولنسکی طی نامه ای به پالی تسین رئیس ستاد ارتش امپراطوری در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۰۶ چنین نوشت:

«از بین بردن اختلافات دیرین میان ما و انگلیس ها که منجر بتمرکز نیروی نظامی مادر نواحی خاور دور و خاور میانه میگردد بما فرصت خواهد داد که در موقع مقتضی از نیروهای مزبور در حل و فصل مسائل تاریخی و حیاتی که در خاور نزدیک داریم استفاده نمایم» تیرگی که در روابط میان روس و ژاپن در بهار ۱۹۰۷ دست داد روسیه

(۱) لژوفسکی معاون سابق وزارت امور خارجه شوروی و ویشینسکی وزیر امور

را بر آن داشت نزدیکی با انگلیس یعنی متحد ژاپن را بیش از این بعهده تعویق نیندازد. از این لحاظ میتوان گفت که موافقتنامه روسیه و ژاپن در ۱۹۰۷ و موافقتنامه روس و انگلیس که چند ماه بعد از آن بامضاء رسید با هم ارتباط بسیار نزدیک و اساسی دارند.

مذاکرات در پترزبورگ در پیرامون سه مسئله تثبت، افغانستان و ایران جریان داشت مسئله تثبت به سهولت حل شد طرفین موافقت نمودند که استقلال و تمامیت ارضی کشور تثبت را برسمیت بشناسند و از هر گونه دخالت در امور آن کشور خودداری نمایند و بالهاسا بتوسط چین روابطی برقرار کنند. دولت روسیه متوقع بود که انگلیس ها دوست چوهارا از نیروی خود تخلیه نمایند (اشغال این ناحیه از طرف انگلیسها بمنزله ضمانت اجرای قرارداد ۱۹۰۴ از طرف تثبت بود) و دیگر اینکه زوآر بوریات اتباع روسیه حق داشته باشند برای زیارت و انجام تشریفات مذهبی به الهاسا بروند. انگلیسها دو تقاضای روسیه را پذیرفتند مذاکرات در باره افغانستان و ایران بکندی پیش میرفت. این کندی در مذاکرات معلول دو علت بود. نخست اینکه آلمانها به عناوین مختلف و باد سانس گوناگون سعی میکردند که در کار پیمان انگلیس و روس اخلال نمایند و دیگر اینکه انگلیسها در آغاز مذاکرات سر سختی زیاد ابراز میداشتند.

پس از مذاکرات طولانی سه موافقتنامه مربوط بایران تثبت - افغانستان در اوت ۱۹۰۷ تنظیم شده ۲۵ اوت ۱۹۰۷ قرارداد های مذکور مورد مطالعه هیئت وزیران روسیه قرار گرفت هیئت وزیران روسیه برخلاف انتظار ایزولسکی موافقتنامه مذکور را باین عنوان که دست انگلیسها را در افغانستان باز گذاشته رد کرد انگلیس بالاخره مجبور شد قبول بدهد که از هر گونه دست اندازی بخاک افغانستان خودداری خواهد نمود. موافقتنامه مذکور در ۳۱ اوت ۱۹۰۷ سرانجام بامضاء رسید.

انگلیس ناچار شد برای روسیه در ایران منطقه نفوذی بیش از آنچه در ابتدای امر تصور میکرد قابل شود. کشور ایران ب سه منطقه تقسیم گردید:

۱- منطقه نفوذ روسیه سرحد جنوبی این منطقه از قصر شیرین اصفهان یزد

و ذوالفقار میگذشت.

۲- منطقه نفوذ انگلیس. این منطقه در جنوب شرقی خطی که از بندر عباس تا کرمان بیرجند و گزبک میگذشت قرار داشت.

۳- منطقه بیطرف این منطقه بین مناطق نفوذ روس و انگلیس قرار داشت. منطقه نفوذ انگلیس بر راههایی که به افغانستان و بلوچستان میرسد تسلط داشت و از لحاظ سوق الجیشی برای این کشور حائز کمال اهمیت بود هر یک از دولتین انگلیس و روس متعهد شدند در صدد تحصیل امتیازی در منطقه نفوذ دیگری بر نیایند و بهیچوجه در اقداماتی که طرفین برای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی در منطقه خودشان مینمایند دخالت نکنند در صورتیکه ایران بتعهدات مالی خود در برابر انگلیس و روسیه ایفاء نماید هر یک از دو کشور مذکور ذیحق بودند بر عایدات دولت ایران در منطقه نفوذ خود نظارت کامل برقرار نمایند. اما منطقه بی طرف بمنزله عرصه رقابت برای انگلیسها و روسها شناخته شد.

در موافقتنامه راجع به افغانستان روسیه تعهد نمود کشور مذکور را خارج از حدود منافع خود شناخته و از هر گونه رابطه با دولت افغانستان مگر بوسیله انگلیس خودداری کند.

موافقتنامه روس و انگلیس روسیه را به (انتات کردیال) ملحق نمود از اینرو از طرفی سدی در برابر تجاوز آلمان تشکیل شد و از طرف دیگر نزدیکی دو دولت معظم استعمار طلب بصورت حربه قاطعی در مبارزه بانهضتهای ملی و آزادیخواهانه کشورهای شرقی مخصوصاً ایران درآمد. از این جهت میتوان گفت که مبارزه مشترک روسیه و انگلیس بر علیه نهضت انقلابی در ایران بلافاصله بعد از امضاء موافقتنامه مزبور امر اتفاقی نبود. لنین در یکی از آثارش موسوم به «جزوه های مربوط بامپریالیسم» صفحه ۲۱۱ معنی حقیقی و ماهیت موافقتنامه روس و انگلیس مورخه ۱۹۰۷ را بنحو زیر بیان مینماید: «ایران و افغانستان و تبت را تقسیم مینمایند (خودشان را برای جنگ با آلمان حاضر میکنند)».

دولتین ایران و افغانستان بر علیه موافقتنامه انگلیس و روس مورخه ۱۹۰۷ که

بدون اطلاع و شرکت آنها منعقد شده بود اعتراض کردند. معذالك دولتي كه موافقت نامه مذکور را امضاء کرده بودند آنرا بمورد اجراء گذاشتند .

.....

وزیر مختار ایران در سفارت واشنگتن (۱) در گزارش مورخ چهارم شوال ۱۳۲۵ هجری قمری خود بوزارت خارجه راجع به قرارداد شوم ۱۹۰۷ مینویسد :

در اوایل ماه رمضان تلگرافی از جناب اشرف پرنس علاء السلطنه (۲) رسید که عقاید خود و دیگران را در باب انعقاد عهدنامه بین انگلیس و روس سریعاً تلگراف نمایند اگرچه از روز اولی که این مسئله مطرح مذاکره دولتین مزبور تین گردید مکرر مطبوعات خارجه و داخله عاقبت و تخیم و معایب عیدیه آنرا با براهین قویه و دلائل صحیحه مندرج و منتشر ساختند و عقیده هر شخص منصف و بی غرضی واضح و محلی تردید نبود باز احتیاطاً نایک گفته بطوریکه لازم بود از سیاسيون بی طرف و رجال مبصر از هر صنف و طبقه پرسیدم بقول یکنفر این مسئله مثل آن میماند که دونه زر دزد برای چاییدن خانه شخصی متحده شده شراکت نامه نوشته بعد با کمال جسارت و بی حیایي نزد صاحبخانه رفته اظهار دارند که ما پیش خود همچو قرارداد و عهدي بسته ایم حال تونیز آنرا تصدیق و امضای نمائید شروع بوده باشد در این موقع دول انگلیس و روس ایران را کمتر از مراکش فرض کرده اند زیرا که برای مراکش باز کنفرانسی منعقد گردید و دول چند نماینده فرستادند و نماینده خود مراکش در آنجا حضور داشت و از پروتست بیهوده خود در هیچ موقع فروگذار نمیکرد تا اینکه در باره ایران ابدأ همچو اقدام و رعایتی هم نمودند این عهدنامه تقسیم ایرانرا بین روس و انگلیس ثابت میسازد و محض اینکه حدودشان بیکدیگر متصل نباشد تا مبادا بعدها اختلافی بهم رسد با اصطلاح فرانسه ها

(۱) مرحوم ممتاز الملك (مرتضی) برادر سعدالدوله و فرزند حاج میرزا جبار ناظم المہام مترجم حضور و پیشخدمت مخصوص مظفرالدین شاه و در عین حال در وزارت امور خارجه مشغول خدمت بود وی بسال ۱۲۸۳ هجری شمسی وزیر مختار ایران در واشنگتن شد و پنج سال در این مقام بود و بعداً چند دفعه وزیر معارف و دوبار هم وزیر عدلیه شد . ممتاز الملك از بهترین مامورین سیاسی وزارت خارجه و از رجال وطن دوست واقعی و علاقه مند جدی ترقی ایزان بود .

(۲) وزیر مختار ایران در لندن

که واسطه دوستی آن دو دولت شده اند يك منطقه بی طرف هم در مرکز رسم کرده اند.

آزادی تجارت یعنی چه؟ ضمانت انتگریتة ارضی چه معنی دارد کدام دولت تا با امروز حتی در ملك خود تجارت دولت دیگر را توانسته است مانع شود چه برسد بملك دیگران و نیز ما همسایه دیگری جز انگلیس و روس نداریم پس این ضمانتشان از برای کدام دولت دیگر است دولت انگلیس مگر انتگریتة ارضی مصر را اعلام نکرد و تعهد نمود پس قشون در آنجا چه میکند و دخالت در کلیة امور از برای چیست و چرا بچندی قبل در مقابل مختصر تجاوز عثمانی که سلطنت مصر اسماً با آنها امت بفاصله یکروز قشون عثمانی سینه های خود را متحدی با توپهای گشتیم ای جنگی انگلیس دیده و از ترس عقب نشستند....

مگر رکنفرانس الجزیره تمامیت ارضی مراکش را تعهد نکرد پس اینك قشون فرانسه در گازابلانکا و نقاط دیگر مراکش چکار میکند و کدام يك از دول امضاء کننده بحمايت و دادخواهی خون پنجهزار اعراب فدائی و شهداء وطن بر آمد سبحانه الله چرا این دایگان، این دلسوزها را برای دول مشرق زمین مینمایند و انتگریتة ارضی دول صغار بالکان را که بمراتب ضعیفتر و کم جثه ترند ضمانت نمیکند بلکه برضد دولت عثمانی عهدنامه سر می بینند....

اگر واقعاً دول روس و انگلیس طالب دوام سلطنت و استقلال مملکت ایران میبودند بایستی بجای ضمانت و تأمین ملکی بدین قسم عهد نامه ببندند « ما دولتین چون خیر خواه و طالب بقاء استقلال و ترقی ملت ایران هستیم لهذا تعهد میکنیم که بهیچوجه من الوجوه با امور داخلی آن دولت دخالت نکرده و در آبادی و ترقی مملکت تسا باندازه ای که ممکن است همراهی نمائیم زیرا که هر قدر مملکت ایران آباد شده و قوت یابد همانقدر منافع تجاری و سیاسی ما با آن دولت زیاد خواهد گردید و بدوستی و اتحاد با آن مظمن خواهیم بود و حقوقمان در آن صورت محفوظ خواهد ماند تا آنکه اگر بقصد تصرف قسمتی از آن ملك مدبرانه بر آئیم عاقبت دچار بلیات عظیم خواهیم شد زیرا که ایرانیها اینطورها سهل الهضم نیستند چنانچه من گسسه بیرون هستم در عرض

هشتاد سال هنوز نتوانسته‌ام مسلط بر چند شهریکه در آن زمان بتزویرو معاونت ارامنه و گرجیها ر بودم بشوم و الساعه دولت ایران با اندك تدبیر و وعده های دور و دراز میتواند تمام قفقازیه را بشوراند و همان گرجیها و ارامنه یاران دیرین مرا با خود همدست سازد و دویست هزار دابوطلب فقط از قفقاز جمع نماید و نیز من که انگلیس هستم تدابیر میرزا آقاخان صدراعظم را در بلوای هندوستان که هیچ نمانده بود از چنگال بیرون برود فراموش نکرده ام خاصه این ایام که ماده هامستعد و منتظر يك اشاره خارجی هستند و ما نباید بعنوان آنکه يك صد نفر سوار پوسیده عثمانی دویست قزیه حوالی ارومیه را جاییده و ویران کردند بشویم ...

این مسئله دیگری است که دست خودمانی از گوشه و کنارش ظاهر بود ایرانیها مردمان غیور و متعصبی هستند و این مرتبه اول نیست که خواب غفلت آنها را گرفته است تاریخ مکرر نشان داده و بیان نموده است که بیداریشان لزچنین خواب بچه سان و چه قسم بوده است و اگر ما اینك بخواهیم دستی باین هیکل مقدس بزنیم جای هیچ شك و شبهه نیست که از همان ابتداء اقلاً پانصد هزار نفر از هر طبقه و طایفه حتی مأجورین سالخورده نیز خود را باشوق و ذوق تمام قربانی استقلال سلطان و ولینعت تاجدار و بقای مملکتشان خواهند نمود و ما از همان وهله اول میباید از روی جسد هزاران شهید وطن عبور کنیم چه برسید بمخاطراتیکه در آتیه مصادف و دچار خواهیم شد پس چه بهتر که در بیداری و ترقیش همت و معاونت نمائیم تا بعدها از اتحادش فایده کثیر برده و از چشم داشت دیگران محفوظ بمانیم . .

آری روس و انگلیس اگر واقعاً بحال مسا دلشوز بودند اینطور بایستی عهد و پیمان کنند نه اینکه قید نمایند که ما حفظ اراضی آنها ضمانت میکنیم تا در صلح و آرامش بمقام آبادی آنها برآیند و آنوقت هم آنها بزرگوارین خود با صلح و آرامی در همان قرارداد تقسیم سیاسی ایرانرا بنمایند واقعاً لفظ " پاسیفیکمان " را نمیدانند در این موقع بچه ترجمه نماید اما مفهوم فرانسویش آن است که اگر مثلاً خدای نخواسته چهار نفر مشروطه خواه باده نفر مستبد در تبریز بمقام مجادله خانگی برآیند فوراً قشون روس بموجب عهدنامه ای که صلح و آرامش مقرر بهم خورده است آنها را بدو آهمنوا

رفع غائله و پس از آن به بیع قطع تصرف خواهند کرد یا آنکه اگر فلان تاجر بوشهری برای حفظ حقوق امتیاز معدن نمک قسم چند نفری را تحریک بداد و قال نماید دفعته کشتیهای جنگی انگلیس بدست آویز خواباندن آشوب سواحل خلیج را که اسمی بیش باقی ندارند بمقاطعه ابدی بچنگال گیرند و انگهی از کجا معلوم که آنوقت خود این دو پهلوان محرك فتنه در نقطه که مدنظر دارند نشوند و اگر چنین نمیبود چگونه یکدسته ترکمان رعیت ایران جرأت داشتند استراهاد را شبانه چاپیده و قسمتی از اهالیش را مقتول سازند در صورتیکه جلوگیری از ترکمان و مقید داشتن آنها موافق اصول مقرر دنیا کاری است بسیار سهل و آسان با آنکه متأسفانه سالی نیست که دولت چند صد هزار تومان برای مخارج فرستادن قشون برای جلوگیری و مطیع ساختن همین یکمشت ترکمان همه ساله صرف نفرمایند .

..... حضرت مشیرالدوله اگر بدانید از روزیکه جناب اشرف آقای علاء السلطنه آنچنان تلگراف فرمودند بچه اضطراب و آتش درونی گرفتار و قلبم تاجه اندازد مشتعل و در سوز و گداز است یقین دارم تطویل کلام و تفصیل این توضیحات واضحه را که تصدیق افزاست عفو خواهید فرمود و قیل از ختم کلام لازم است که این عقیده بعضی از سیاستیون را نیز بعرض برسانم و آن این است که در این مورد و در انعقاد عهدنامه ای مقصود از دوشق خالی نیست یا دول روس و انگلیس در آتیه قصد و نیت باطنی دارند که بطور پلتیک یا جبر انجام خواهند داد یا آنکه ندارند اگر فی الواقع خیالی دارند که دولت ایران ابداً مجبور بتصدیق شرعی آن نیست و باید از امضاء نکردن آن عهدنامه مفر و راه نجاتی از برای خود باقی بگذارند و اگر حقیقه قصد مخفی ندارند و طالب بقاء و استقلال این دولت هستند در آنصورت امضاء دولت علیه لازم و ضرور نیست هر چند که دول انگلیس و روس را دولت ایران نمیتواند از انعقاد يك عهدنامه سرّی مانع شود اما خودش نیز نباید آنرا امضاء نماید و الا عاقبتش بسیار وخیم و موجب بدبختی ملت و مملکت خواهد بود .